



پیام کارگر

شماره ۱۲
بهامعادل ۲۰ ریال

ارگان کمیته خارج ز کشور سازمان کارگران انقلابی ایران (راه کارگر) سال اول نیمه ۶ دوم دیماه ۱۳۶۶

اعلامیه کمیته مرکزی

در صفحه ۲

سازمان کارگران انقلابی ایران (راه کارگر)

بمنا سبت شهادت رفیق پروین گلی آبکناری

پیروزی پناهندگان فضاحت امپریالیسم و فقها

۱۵ پناهنده ای که از فرانسه اخراج و به گابن تبعید شده بودند، در ۱۴ ژانویه به اروپا بازگردانده شدند. بعد از بازگشت پیروزمندان آنها به فرانسه و اسپانیا، دولت دست راستی شیراک اعلام کرد که لغو تصمیم قبلی دولت فرانسه بدلائل انسانی (۱) انجام گرفته است.

اخراج پناهندگان از فرانسه جزئی از معامله رسوای دولت شیراک و رژیم فقها بود که آزادی وحید گرجی در مقابل آزادی گروگانها در لبنان و معامله تسلیحاتی... اجزای دیگر آن بوده اند.

ابعدا فاجعه با رایین معامله بر است... چندش آور آنچنان وضوح و صراحتی داشت که افکار عمومی دموکراتیک فرانسویان را علیه خود برانگیخت. بخصوص آن دسته از فرانسویها که نسبت به حقوق دموکراتیک در فرانسه حساسند، تجا و زیسته حقوق پناهندگی را حمله ای به حقوق دموکراتیک عمومی در آن کشور تلقی کرده و واکنش نشان دادند. از سوی دیگر این عمل دست راستیهای فرانسه باعث فعال شدن جناح رقیب آنها در آن کشور برای بهره برداری از این ماجرا، خصوصا با درپیش بودن انتخابات ریاست جمهوری در بهار آینده، گردید. جناح رئیس جمهور، میتران، که خود سابقه اقدامات مشابهی با فقها در درددار بنمورد بیعت اختلاف موضع و مهمتر از همه بهره برداری برای انتخابات آینده، رئیس جمهوری، دولت شیراک را بقیه در صفحه ۲

عصرفتواها و اوج بحر آنها

فتواهای صریح، بی سابقه و بی درپسی از جانب خمینی در مورد حدود قدرت حکومت اسلامی مشخصه اصلی جنگ جناحهای حکومتی در دوره کنونی حیات رژیم فقهاست که در رقم زدن آینده آن نیز نقش کلیدی دارد. چنین وضعی ناشی از چیست و عواقب این اقدامات چگونه خواهد بود؟

اگر بخواهیم واقعیت ما چرا دریا بیم، نمی توانیم بدون مقدمه از خود فتواها، شروع کنیم. چرا که این فتواها خود نقطه عطفی در یک کشمکش دامنه دار و جدی است که اصولیات متناقض حکومت فقها را خلط بندی می کند. یعنی همان جنگ معسروف بین جناح بورژوازی سنتی با زار، که تحت لسوای فقه سنتی بخشی از طرفداران ولایت فقیه را تشکیل می دهد و کل بخش خصوصی سرما پهداری را نمایندگی میکند، با جناح اصلی حکومتگر که طالب دولتی کردن امور و محدودیت بخش خصوصی سرما پهداری است. این جنگ که با عمق یا بی بحران و با شدت گیری مبارزه طبقاتی در جامعه، وحدت می یابد، در یکسال اخیر کیفیت تازه ای یافته است.

چنانکه بخاطر درایم رفسنجانی و دارودسته او مدعا و ازین بست قانونگذار ری" یاد می گردند و صریحا زخمینی درخواست دخالت مستقیم داشتند که نهایتا دارای ایجا دنیوی تعادل در تابستان گذشته "اجلاس سران سه قوه" بعنوان یک مکانیسم حل اختلاف پدید آمد که بیعت عمق بحران کارگشا بقیه در صفحه ۹

مصاحبه
"پیام کارگر"
با ماموستا شیخ عزالدین حسینی
در صفحه ۱۰
قسمت دوم

زندگی و مبارزات پناهندگان
در صفحه ۱۲

نظری به گردهمایی

بسیست و هشتمین سالگرد تاسیس کنفدراسیون

بمنا سبت بزرگداشت بیست و هشتمین سالگرد تاسیس کنفدراسیون جهانی دانشجویان و محصلین ایرانی در خارج از کشور سمیناری بمدت پنج روز از دوم تا ششم ژانویه در محل سابق این سازمان در شهر فرانکفورت برگزار شد. روزهای نخست این گردهمایی شامل حضور تعداد زیادی از کارکنان سابق کنفدراسیون فعالین وابسته به گروههای سیاسی ایرانی، علاقمندان به جنبش دموکراتیک خارج از کشور بودند. این سمینار بعد از ۱۵ روز و پس از شنیدن سخنرانی متجا و از ۱۰ سخنران پایان یافت ولی موفق نشد از حاصل کار خود یک جمع بندی ارائه کند. و این حداقل انتظار را برای شرکت کنندگان برآورده سازد که هنگامی که سمینار با خود چند طرح و بیانیه روشن همراه ببرد. آنچه ما با از این سمینار بیجا ماند، جز آشفته فکری نبود. حاصل چند بحث مشخص دربار جنبه آلترناتیو و فعلا لیت دموکراتیک خارج از کشور که از کشورها از سوی برخی افراد ارائه شد در میان انبوهی از داستانها، خاطرات و روایت های مربوط به عهد بیوقی و تلی از بحث های بی ارتباط با هم کم و کسور شد. آیا این نتیجه برای برنامه، با این همه آسب بقیه در صفحه ۸

نیها، معمار بزرگ شعر معاصر

در صفحه ۴

ستون آزاد
بمنا سبت
اعلام موجودیت انجمن فرهنگی
آذربایجان در آلمان فدرال
در صفحه ۵

برای سمینار آخن آماده شویم
در صفحه ۳

پیروزی پناهندگان فضاحت امپریالیسم و فقها

تحت فشار رقار داد. معا مله با تروریسم وی آبرو شدن دستگا ه قضا ئی فرانسه و تزییق حقوق دمکراتیک پنا هندگان زمینهای بود که بهترین فرصت را برای درفشار رقار دادن رقیب فراهم می آورد. همچنین برخوردیکجا نه و صریح دولت شیراک که بسند و ن هما هنگی و در نظر گرفتن منافع عمومی جنا جهای مختلف امپریالیسم جهانی مورت گرفت، با عیث اعتراض انگلیس و آمریکا شیها نیز گردید. روی هم رفته چه در فرانسو چه در دیگر کشورها زمینه یک برخورد جدی با این سیاست دولت دست راستی فرانسه بوجود آمد.

اما آنچه که با عث شد تا این نیروی بالقوه به فعل درآید و در یک فاصله نسبتا کوتاه دولست فرانسه را وادار به عقب نشینی و لغو تصمیم قبلی نماید، همانا مقاومت و جنبش اعتراضی پنا هندگان بود. اگر مقاومت و تلاش خستگی ناپذیر پنا هندگان و اعتصاب غذای نیروهای سازمان مجاهدین و حامیان آنها نبود، مخالفت افکار عمومی و درگیری های داخلی حکومت فرانسه به عقب نشینی شیراک نمی انجامید، بلکه تا شیرخود را مثلا در زمستان انتخابات آینده ریاست جمهوری آشکار میکرد، اما اعتصاب غذای طولانی و جنبش گسترده اعتراضی علیه این عمل که کشورهای اروپائی و آمریکا را فرا گرفت با عث شد تا حضرات بیاد مسائ انسانیتی بیا فتنند و آقای "پاسکوا"، قدر ره بندی که در سمت وزیر کشور فرانسه تا آخرین لحظات دم زبرگشت ناپذیر بودن تصمیم اخراج پنا هندگان برای تامین منافع فرانسه میزد و هر شب بر صفحه تلویزیون ظاهر شده و "هل من مبارز" می طلبید، تا مین امنیت فرانسه و منافع آن کشور را از یادبرد. آنچه که افکار عمومی و حرکات اعتراضی مردم دمکرات فرانسه و دیگر کشورها را بسیج نمود و با بهره گیری از تضادهای موجود بین جنا ههای مختلف حکومتی فرانسه زمینه همه اقدامات را فراهم نمود، تا جا شیکه همسفر میتران و یا بقول روزنا مه لوموند "ما دام مسیو میتران" بیدار را عتصابیون برود، همانا مقاومت و جنبش اعتراضی پنا هندگان بود. و این پیروزی یکبار دیگر نشان داد که میتوان و باید از حقوق دمکراتیک مهاجرین و پنا هندگان قاطعانه دفاع نمود.

تا شیربا زگشت پنا هندگان به اروپا فقط سه حوزه رابطه دولتهای اروپائی با پنا هندگان ایترانی ویا موضع عمومی آنها در مورد پنا هندگان و مهاجرین محدود نموده بلکه متوجه توطئه ها و تهدیدات دائمی رژیم فقها در اینباره نیز نبوده است. این حرکت بروشنی نشان داد که میتوان با تمام نقشه ها و توطئه های حکومت اسلامی جهت اعمال فشار و محدودیت بر پنا هندگان سیاسی ایران در بقیه در صفحه ۹

پیام کارگر



اعلامیه کمیته مرکزی سازمان کارگران انقلابی ایران (راه کارگر)

بیمنا سبت شهادت رفیق پروین گلی آبکناری

طبق اخبار رسیده، رفیق پروین گلی آبکناری از اعضای سازمان مادر با نزدیکان در ماه ۱۳۶۶ در زندان اوین شهادت رسیده است.

رفیق پروین در او خرداد ماه ۱۳۶۱ به همراه همسرش رفیق شهید مهرا ن شهاب الدین و برادر همسرش شهید روزبه گلی آبکناری به سارت جلادان رژیم اسلامی در آمدویس از مقام قهرمانانه و تحمل شکنجه های وحشیانه مزدوران اسلامی به حبس ابد محکوم گردید و دوران اسارتش را در سیاهال اوین می گذراند. رفیق پروین روز قبل از شهادت به زیر شکنجه های قرون وسطائی برده شده بود و سردای آن روز به اعتراض به فشارهای شدید و اعمال ضد انسانی این جان نیا ن رسو ادست به خودکشی زوروشته حیات خود را گسست و طبق روایت دیگری جلادان اسلامی پس از اعمال شکنجه های وحشیانه قرون وسطائی او را زیر شکنجه به شهادت رسانده اند.

شهادت مظلومانه رفیق پروین بیانگر عمق کینه و نفرت اونسبت به رژیم ضد بشری جمهوری اسلامی است، که وحشیانه ترین شکنجه ها را بر زندانیان سیاسی اعمال می کند تا نایدبتوا ندر و حیه مقاموم این فرزندان دلاور خلق را درهم بشکند و آنها را به پشت پا زدن به آرمان و لای شان وادارد، اما هر با رتلاش های مذبحخانه جلادان با سدا ستوارا راه پولادین این عزیزان روبرو می شود. زیرا آنها که در مکتب مبارزه انقلابی تربیت شده اند و به اعدا ارتجاعیت این رژیم ضد انقلابی پی برده اند و با عشق به توده ها عجب شده اند، هیچگاه از راههای کارگران و زحمتکشان روی بر نمی گردانند و رزم بورشورشان را با ایمان و اعتقاد عمیق تریه پیش می برند تا کارگران و زحمتکشان بیآزادی را جشن بگیرند.

ما شهادت رفیق پروین گلی آبکناری را به خانواده گرامی و به تمام رفقا و همرزمانش تسلیت می گوئیم و با دوا و هموار راه آنها مبخش ما خوا هد بود.

مردم آزاده ایران!

سازمانها و نیروهای انقلابی و مترقی!

وحشیگری های رژیم اسلامی در زندان ها، انواع و اقسام شکنجه های جسمی و روحی و فشارهای شدید ضد انسانی بر زندانیان سیاسی و اعدا مهای جنا یکتا رانه، شرایط طاقت فرسائی را بر زندان ها حاکم کرده است و از طرف دیگر مقاومت قهرمانانه زندانیان سیاسی باعث شده به اعدا در درنده خوئی رژیم سلاسی افزوده شود. در چنین شرایط حساسی ضرورت مبارزه متحد برای لغو شکنجه و اعدا م و آزادی بی قید و شرط زندانیان سیاسی بیش از پیش احساس می شود. سازمان ما از تمامی سازمانها، گروه ها و نیروهای ترقیخواه و انقلابی دعوت می کند در راه پیشبرد این مبارزه بیا خیزیم.

علیه اعدا م و شکنجه و برای آزادی زندانیان سیاسی بیا خیزیم!
سرتگون باد جمهوری اسلامی برقرار باد جمهوری دمکراتیک خلق!
کمیته مرکزی سازمان کارگران انقلابی ایران (راه کارگر)

دهم دی ماه ۱۳۶۶



آخرین نامه رفیق پروین گلی آبکناری

شماره مادر همسر تاریخ ۶۶/۴/۶ می خواست روزی این سعادت نصیب می شد که ذره ای نا مونا مخا شوادگی: پروین گلی آبکناری: مادر از محبت های شما و خانواده عزیزم را پاسخ گویم شما جان قربانتان کردم سلام صورت با صفا ییتان را که گویای قلب مهربان و صورتان است می بوسم و برای همگی شما عزیزا شمسلا م دارم غنچه های گلیم شیریا رومهران را بسیار دوست دارم خوشحالم که نزد داداش رجبی هستی و میتو انید برای شهریارو مهران کوچولو و زمو جان نشان صحبت کنی دبرایشان از خوبیها و آرزو و ایده آلهای عزیزم شکرمان بگوئید میدانم که بچه ها نیز در دمان بر مهران ما نند عمویشان انسانهای بزرگ و والائی خواهند شد دلم

شماره مادر همسر تاریخ ۶۶/۴/۶ می خواست روزی این سعادت نصیب می شد که ذره ای از محبت های شما و خانواده عزیزم را پاسخ گویم شما جان قربانتان کردم سلام صورت با صفا ییتان را که گویای قلب مهربان و صورتان است می بوسم و برای همگی شما عزیزا شمسلا م دارم غنچه های گلیم شیریا رومهران را بسیار دوست دارم خوشحالم که نزد داداش رجبی هستی و میتو انید برای شهریارو مهران کوچولو و زمو جان نشان صحبت کنی دبرایشان از خوبیها و آرزو و ایده آلهای عزیزم شکرمان بگوئید میدانم که بچه ها نیز در دمان بر مهران ما نند عمویشان انسانهای بزرگ و والائی خواهند شد دلم

با امید فرداهای بهتر روشن تر برایتان
قربان شما دخترتان پروین
آدرس فرستنده:
زندان اوین ساختمان ۳۲۵ بند ۲ زنان اطاق ۷
(پاسخ پشت صفحه نوشته شود)
ن ۶۲/۲۶۱

برای سمینار آخن آماده شویم

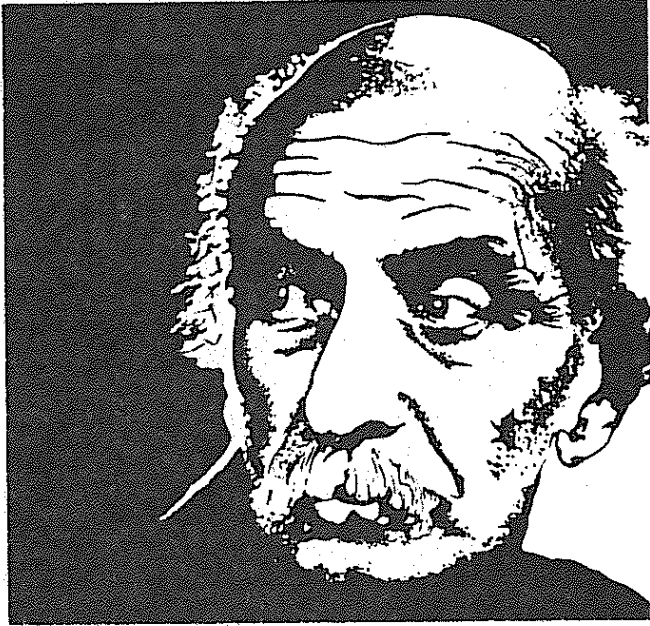
نیز در تناقض قرار می گیرد. بی دلیل نیست که معمولاً در آسنا ماه این شکل ها ماده ای گنجانده می شود که به صراحت از پذیرش افرادی که وابسته به بعضی از احزاب سیاسی می شوند سر باز می زنند. و این همان انحراف در منشور است که به بخش آسنا م نیز داده می یابد. این پدیده به این دلیل متناقض است که شرطی بجز از پذیرش منشور و آسنا م برای اعضا مقرر می دارد. این شرط متناقض عبارت از اینست که فرد وابسته به این یا آن حزب سیاسی نباشد. اگر چه در عمل با این ماده نمی توان مانع ورود افراد دولتی نوعی تفتیش عقاید را به شکل و اعضا هیئت اجرایی که مسئول عضوگیری هستند تحمیل می کند. بدین ترتیب می بینیم مرزهای هویت شکل با هویت تک تک افراد در هم ریخته می شود. و از آنرا دهنی بیش از هویت دموکراتیک خواسته می شود. علاوه بر حذف چنین ماده ای از منشور و آسنا م به یادداشت منشور نیز ملاحظاتی را مرعی داشت. بدین شرح که ولان منشور با بدیحتی الامکان مختصر و کوتاه باشد. ثانیاً در بررسی خطوط سیاسی به نکات عام اکتفا کند و از پرداختن به مقولات متعدد و تحلیل های پیچیده که پای اختلافات فکری مختلف را باز میکند بپرهیزد. مهمترین نکته که باید بدان پرداخته شود، تشریح رابطه رژیم جمهوری اسلامی و سیاست های آن با مشکلات گروه اجتماعی مورد نظر است که موضوع سازماندهی است. باقی همه عبارت خواهد بود از مشکلات شرایط اجتماعی که آن نیرو در آن بصری می رسد. سیاست عملی، عرصه دیگر بر روزگاریش یا گذشته است. گروه مداری در این عرصه، بنیاد فعلی خود را بر روی شعارهای سیاسی بنا می کند، و از توجه به شعارهای منفی که توده وسیعتری را در بر میگیرد منحرف می شود. یکی از مشخصات کنونی ترکیب شکل های موجود عبارت از این است که فعلی اصلی آن را فعلی لیسن گروه های سیاسی تشکیل می دهد. گرایش افراطی به سوی شعارهای افشاگری و آکسیون های سیاسی معرف تمایلات این گروه است. اهمیت شعارهای منفی، یعنی مسائل مخصوص پناهندگان نظیر تسهیل شرایط پذیرش پناهندگی، تا میسر امنیت پناهندگان در مقابل اخراج و فشارهای سیاسی - اجتماعی، کاهش مدت زمان رسیدگی به تقاضای پناهنده، مسکن، رفع موانع تحصیلی، نیازهای فرهنگی و...، نا دیده گرفته می شود و در حال حاضر حتی توافق روی مهمترین شعارهای مهاجرین حاصل شده است. یعنی کانون های موجود قدیم سیاست تبلیغی مشترک برای دفاع از حقوق پناهندگان و متقاضیان پناهندگی هستند.

بدلائل مذکور، سیاست عملی کانون ها به جهت انحرافی دیگری که ما آنرا آکسیون نیسمان می دهیم متمایل می شود. حذف یا تضعیف شعارهای مربوط به نیروهای که پایه اصلی یک شکل دموکراتیک را تشکیل می دهند، سیاست عملی را تابع شعارهای مقطعی - مؤروری می سازد، و روش کار مستمر و پیگیر و طبق برنامه را از دور خارج می کند. البته این مبحث بطور مجرد برای سمیناری که در پیش داریم چندان ضروری و عاجل نیست. ولی بعنوان یکی از وجوه انحرافی که ریشه در سکتا ریسم دارد و از جمله موانع بازتوده ای شدن شکل ها می باشد در کنار مبحث اصلی یعنی تحلیل وضعیت کنونی شکلها و بررسی علل آن دارای اهمیت است. این مبحث تاکنون به شکل بازگونی های درمفا هیمنی چون خواست های منفی و خواست های سیاسی، یا تشکیلات منفی و یا سیاسی مورد گفتگو قرار گرفته است. در واقع طرفداران این یا آن تعریف بکمک ایسسن مفاهیم شیوه فعلی فعالیت مورد نظر خود را دنبال می کنند. حال آنکه بحث در مورد شیوه کار توده ای رابطه مستقیمی با تعریفی که ما از خلعت منفی یا سیاسی یک شکل توده ای می کنیم ندارد. معمولاً دیده می شود گرایشی که کار توده ای را (کار توده ای در برابر فعالیت آکسیونی مورد نظر است) مبنای فعالیت خود

در نتیجه بحث ها می که تاکنون میان نمایندگان و فعالین کانونهای پناهندگی، بخصوص در جریان سمینار سراسری شهر دارمشتا در آلمان غربی صورت گرفت، توافق ها بی برسر تعریف از پناهنده سیاسی و ضرورت دفاع از حقوق اجتماعی - انسانی کلیه پناهندگان در منظر انحرافات فکری انسان بدست آمد. که این در حد خود درجه ای از رشد تفکر دموکراتیک را نمایان می سازد. اما در زمینه مبنای مشترک یک فعالیت دموکراتیک و دست یافتن به یک پلاتفرم دموکراتیک بحث در مراحل مقدماتی خود قرار دارد. با این حال در این زمینه نیز دو گرایش از یکدیگر تفکیک شده اند. گرایشی که در مرز بندی سیاسی برای هویت دادن به یک شکل دموکراتیک را قرار از زنگی رژیم خمینی و رژیم سرکوبگر شاه می برد و پای جریانات و احزاب سیاسی دیگر را به میان می کشد و گرایشی دیگر که در شرط نخست را برای منشور چنین تشکلی کافی میداند و معتقد است ماده بعدی خواهنا خواه شکل را وارد عرصه ایدئولوژیک خواهد کرد و هویت دموکراتیک آن را نقض می کند. یک چنین ماده ای مرز این شکل را با یسسن شکل حزبی در هم خواهد ریخت و آن را وارد مرز کشی های حزبی خواهد ساخت. لذا این یک گرایش سکتا ریستی و محدود کننده است.

سومین سمینار کانون ها که در شهر آخن برگزار خواهد شد با بدین بحث را جلوتر ببرد و جوانب مختلف یک تشکیلات و فعالیت دموکراتیک را روشن کند. روشن شدن مبنای یک شکل دموکراتیک و داشتن یک جمع بندی صحیح و همه جا بنده از فعالیت تا کنونی کانون ها برای حرکت به سمت برپا نشدن تشکیلات سراسری ضروری است. در واقع تعمیق بحث سمینار دارمشتا از طرح این سوال آغاز خواهد شد که تشکیلاتی که موجود برای ریشه دواندن در میان توده های پناهنده آسنا م با کدام انحراف با بد درگیر شوند؟ زیرا این سوال اولاننا ظریب ایسسن واقعیت است که تشکیلاتی که موجود در پناهنده در میان پناهندگان هستند و به این واقعیت با بد صراحت دارد و بر سر آن به توافق رسید. ثانیاً، اکنون که قدامت ایجاد یک تشکیلات سراسری در بین است ضرورت مبارزه با علل این بی ریشگی بشکل مفاغفی مطرح است. چرا که در فقدان پایه گسترده توده ای، ایجاد تشکیلات سراسری با تشدید بوروکراتیسم همراه است.

ما در بررسی وضعیت موجود کانون ها و تلاش ها می که مصروف برپا کردن یک تشکیلات سراسری می شود، گفته ایم تلاش برای ایجاد چنین تشکیلاتی با بد با مبارزه علیه گرایشات انحرافی در شکلها، بخصوص با سکتا ریسم به عنوان انحراف اصلی همراه شود. به بیان بهتر باید گفت اصلاح خط مشی و رفع موانع سکتا ریستی موجود، نه فقط راه گسترش پایه تشکیلاتی موجود را خواهد گشود بلکه ضرورت تشکیل یک سازمان سراسری را مطرح خواهد نمود. تنها بدین طریق است که تمایلات اصلی برای ایجاد یک تشکیلات سراسری از گرایشات بوروکراتیک که هدفی بجز از سازماندهی پناهندگان و مبارزه برای حقوق آن ها را ندارد نظردارند از یکدیگر جدا خواهند شد. جلوه های اصلی گروه مداری کدام است؟ یکی از جلوه های بارز این گرایش محدود کننده در منشور این تشکیلات خود را نشان می دهد. چنانکه می بینیم منشور هر شکل معرف هویت آن است و اهداف اساسی شکل را بیان می کند. گرایش مذکور در این عرصه با فرا ترفتن از دو معیار اساسی سیاسی یعنی نفی رژیم شاه و رژیم خمینی مشخص می شود. در شرایط جامعه ما اهداف عام هر شکل دموکراتیک تنها میتواند اندیشه رسمیت شناختن انقلاب ۵۷ و سپس مخالفت با رژیم اسلامی باشد. دشمن اصلی دمکراسی در کشور ما مشخص گردد. هر معیار دیگری جز این ضرورتاً پای احزاب مختلف را وارد مرز بندی های شکل دموکراتیک خواهد کرد و اهداف و وظائف شکل را مخدوش خواهد ساخت. بدینی که ناظر بر عدم همکاری با جریانات و احزاب سیاسی نیست. علاوه بر اینکه محدود کننده است، با مختصات سازمانی یک تشکیلات دموکراتیک



بمناسبت بیست و هشتمین سالگرد درگذشت نیما

نیما، معمار بزرگ شعر معاصر

در آستانه سالمرگ نیما قرار داریم. مردی که شعر برپا رما صرا را بی ریخت، کارا و اگرچه تداوم منطقی تحولی بوده که از او مثل مشروطیت شروع شده بوده است، اما نیما این تحول کمی را توانست به یک کیفیت تازه ارتقاء دهد. در اینجا ما قصد آنرا نداریم که به وجوه متنوع کار نیما بپردازیم. چرا که این کاربرد وظیفه و امکانات محدود این صفحه نیست. و تاکنون دیگران از زوایای مختلف - البته با افتست و خیزهایی - این کار را دنبال کرده اند. در اینجا ما تنها به یکی از شاخص‌های این تحول اشاره می‌کنیم. خواهیم کرد. کار عظیم نیما در پاسخ به چه ضرورتی صورت گرفت و چرا کوشید از نظر زیبایی‌شناسی، موازین تازه‌ای را ارائه کند؟

ما ختمان شعر قبل از نیما در کلیت خود و صرف نظر از استثنائات در خلاصه‌ترین کلام دارای یک نواختی هارمونی درونی در شعر، یک نواختی در وزن، و آه‌ها و ترکیبات قرار دادی و تکراری، خیال - پردازای‌های عرفانی و تصویری‌های ذهنی... بود و در مجموعه خود از ایستایی ویژه‌ای برخوردار بود که تنها با دنیای کم‌تحرك و در خود فرو رفته زندگی دوران پیش سرمایه‌داری نمیتوانست انطباق داشته باشد. موضوع و شکل این اشعار اساسا - جز بدیهه‌سراشی‌ها - ما به آزادی زمینی نداشت. کارکرد زیبایی‌شناسی آنها این اشعار رگیزا زمینی و زمینیان و پرواز به دنیای لاهوتی آسمانی نبود. حتی وقتی که از معشوق معینی صحبت میشد، وقتی جنبش اجتماعی و فکری دوران مشروطیت که ناشی از تحول مناسبات تولید اجتماعی و گذار از نظامات پیش سرمایه‌داری به نظام نوین بود، پیدا گرفت، دیوار رکین شعر پارسی بلحاظ زیبایی‌شناسی ترک برداشت. آنهم در شرایطی که چند صد سال پشتوانه رکود را پشت سر داشت زیرا شعرا ز مغویه به بعد و بی‌وزنه زدوره‌ها جا ریه به با سبهای از تجربیات قرن سومتا هفتم تبدیل شده بود. در

جریان شکل‌گیری نهضت مشروطیت و در شرایط تا شیرپذیری روشنفکران از تحولات غرب، شعر نیز بعنوان یکی از اشکال بیان و یکی از هنرهای نیما بیست خودش را با این الزامات نوین هماهنگ کند. مفاهم جدید و حتی آه‌های فرنگی بعنوان نوجویی وارد شعر شدیدی آنکه کسی جرئت داشت به با شد قالب‌های کهن را مورد تردید قرار دهد. مفاهم جدید قالب نوینی را می‌طلبیدند که پاسداران فسیل‌عده‌های دقیقاً نویسی و حشره‌شناسان معظم "اهل تحقیق" که فارغ از جهان و هر چه در اوست، سرگرم استخراج ماده تولد و مرگ امثال ابوطاهرا خستیکی بودند، مانع اساسی آن بودند چرا که خود را میراث‌دار رومی‌ها و میراث‌داران گذشته دانسته و از سنت هزاران ساله پاسداری میکردند و آن را همچنان یک واقعیت بی‌بدیل میدانستند.

اما دنیای خاموش زمینداری با دنیای پرتب و تاب کارخانه‌داری تفاوت داشت. دیگر قرار داد - های گذشته شعری زیبایی‌شناسی مردم این دوره را نمی‌توانست ارضا کند چرا که نمی‌توانست به نیازهای زمینی آنان پاسخ گوید. و می‌بایست قالبهای بیانی تازه‌ای را به میان کشید که ظرفیت‌های پذیرش مفاهم و ارزشهای زندگی نوین را داشته باشد. به خلاصه‌ترین کلام اگر دوران پیش - سرمایه‌داری چهارچوب معین زیبایی‌شناسی خاص خود را داشت، دوران نوین چهارچوب نوینی را می‌طلبید که بتواند احساسات تازه زیبایی‌شناسی - شناختی پاسخ دهد. و نیما چنین کرد. از این نظر نیما یوشیج بیان تاریخی این دوره تحول و شاخص برجسته این دوره گذار بود در حوزه شعر، یعنی بیان گذار از دوران پیش سرمایه‌داری به سرمایه‌داری و الزامات آن از لحاظ زیبایی‌شناسی و مضمونی. بنا بر این نیما نه فقط بعنوان یک تکنیسین برجسته تحولاتی کیفی نوین در تکنیک و ساختار شعر ایجاد کرد، بلکه شعر دوران جدید را بی ریخت.

معاصرین شعر ما صرا ما بقول امیدتنها و بسرا ن کتنده نبود. خود سا زنده‌ای چیره دست بود و برخی از اشعار او هنوز برپا لاترین قله‌ای از شعر ما مرقار دارد که تنها در پرتو آن امکان سنجش شعر خوب و بد ممکن است. از این رو کار بزرگ او تنها در تقطیع اوزان عروضی و کوتاه و بلند کردن مصارع نبود. او بیباک و نوینانه بر جسته شعری شد که با زندگی انسان جدید انطباق داشت و توانست نبض آن را با زندگی جدیدی همان ریتم‌های تند و غیر - منظم هماهنگ کند. ریتم تند و مقطع و نواختی که با یکنواختی گذشته همخوانی و همسویی هم‌آواشی ندارد. ریتم نوینی که با خیال پردازای تصویرسازی‌ها و ترکیبات و واژگان نوینی سروکار دارد و شعر را از کاخ‌ها و کتاخانه‌ها و از چنگ از ما بهتران خارج کرده و یکسره به کوچه و بازار روانه کرده است. میدان بزرگی که در آن مردم عشق می‌ورزند، می‌جنگند و کار می‌کنند. مردمی که استمنا ر می‌شوند و بر علیه استمنا رگران مبارزه می‌کنند. میزانهای این زندگی دیگر نه با چاه زرخد آن سنجیده میشود نه با جنگ خوبی و بدی بطور مطلق. از این رو با بدیهه مفهوم ما شریالیستی این تحول انگشت گذاشت. تحولی که نیما یوشیج مهر خود را بر آن زده و نقش کارساز و تعیین کننده خود را بر موازین زیبایی‌شناسی جدید و جامع‌شناسی شعر معاصر بی‌رقیب کرده است.

اکنون دیگر سالیان آن دوره گذشته است که نیما با "خا شوا ده سر با ز" خود و با "افسانه" این زنگ بزرگ را به صدا در آورده است. "شعر من"، "ماخ اول"، "نا قوس"، "شهر شب"، "شهر صبح"... او اکنون وسیله‌یلاتی چون شاپلوتدا و مودا ردو توده - ای ترازان شده است که بتواند مورد تردید کسی قرار گیرد.



ستون آزاد

بهناسبت

اعلام موجودیت انجمن فرهنگی آذربایجان در آلمان فدرال

راه به موفقیت بازگردد . و امروزه و دیروز نیز در ایران راه دیگری برای حل مشکلات خلقهای غیرفارس وجود نداشته و ندارد . اگر شیادای و حقه‌بازی بنام "بیکار با بیسواد ی" و "جهاد با بیسواد ی" ره به جایی نبرد (بگذریم آنها و اینها در اصل نمی خواستند که ره به جایی هم ببرد !) در وجه اول بخاطر آن بود که مهمترین مسئله همیشه نادیده گرفته شد . و آن اینکه در ایران چند صد میلیون یونی، کسانی که به زبان فارسی تکلم می کنند اکثریت اهالی را تشکیل نمی دهند . بلکه اکثریت با خلقهای غیرفارس است . و برای حل مسئله بی به این مهمی باید شبکه وسیعی از موسسات آموزشی ، سینماها ، تئاتر و ... به زبانهای ملی تشکیل شود . و این موسسات را باید کسانی رهبری و اداره کنند که خود از این خلقها بوده و به زبان آنها تکلم نمایند . و ادبیوتلوویزیون بایست قسمت اعظم بر نامه های خود را به زبانهای ملی اختصاص دهند و در موسسات آموزش عالی باید به تدریس و گسترش زبانهای ملی توجه جدی شود . اینست راه حل واقعی مشکل بیسواد ی . نه فرستادن معلم فارس زبان به دهکده ها و آذربایجان و کردستان .

و اما در رابطه با خلق آذربایجان ، باید بگوئیم که مبارزه در راه بدست آوردن حقوق ملی و با قبول معروف خود مختاری به درون مشروطیت بر میگردد با کوشش و مجاهدت های مبارزین آذربایجانی انقلاب مشروطیت بود که قانون انجمن های ایالتی و ولایتی به تصویب رسید . و همین قانون است که بعد ها اجرای صحیح آن همیشه از طرف مبارزین ملی آذربایجان و خلقهای دیگر خواسته می شد . بلافاصله بعد از انقلاب مشروطیت و از دست رفتن دست آورد های این انقلاب توسط نفوذ الیها و بورژوازی است که "انجمن ملی آذربایجان" که شیخ محمد خیابانی نیز عضو آن بود تبدیل به سنگر اساسی دفاع از خود مختاری و د مکراسی در ایران می شود . شیخ محمد خیابانی می گوید :

"... ای خلق غیرتند آذربایجان ! ... ای قهرمان راه آزادی ... ای آذربایجان ، ای نیروهای د مکراتیک آذربایجان ، سرتان را بلند کنید ! هر چند که در حال حاضر در بدبختی و فلاکت غوطه ور هستی و در نتیجه ضربات

وارد ه قوه تفکر را از دست داد ای ... اما قبل از هر کس باید خودت به خودت کمک کنی . زیرا آزادی ت فقط بدست خود میسر است" (نقل از روزنامه تجدد در ارگان حزب د مکررات آذربایجان) .

و چنین است که به اعتقاد شیخ محمد خیابانی آذربایجان نه تنها خودش بلکه ایران را نیز آزاد خواهد کرد . و این امید های است که بعد هاد در زمان قیام خلق آذربایجان در ۲۵ - ۳۲۴ تحت رهبری فرزند فد اکار خود سید جعفر پیشه‌وری بار دیگر تکرار می شود و آذربایجان بانجات خود سعی در رنجبات سراسر ایران می نماید . اما بار دیگر شکست می خورد و بهای آن راگران سر از همیشه می پردازد . بیش از بیست هزار نفر از فرزند ان شریف این خلق ستمدیده توسط امپریالیزم و ارتجاع و شوونیست هاد ر خون غوطه ور می شوند . در باره شکست جنبش خلق آذربایجان زیاد گفته ولی کم نوشته شده است . و بررسی آن احتیاج به مقاله دیگری دارد ولی آنچه که مسلم است نقش درجه اول راغیرا زاشتباهات فرقه د مکررات و شخص پیشه‌وری امپریالیزم و ارتجاع با ری کرد هاند که متاسفانه سیاست های استالینیستی آن زمان اتحاد شوروی زمینه را برای آن مناسب نمود . بهر حال پیشه‌وری از زبان خلق آذربایجان می گفت :

" فرقه باید همراه با خلق آذربایجان با خلقهای دیگری که در راه آزادی ملی مبارزه می کنند اتحاد برپا کنند . در این رابطه برقراری برادری با کرد ها و جلب اعتماد آنها وظیفه جدی ماست . (منتخب آثار پیشه‌وری)

بدین ترتیب خلق آذربایجان در کنار مبارزه اش برای حقوق ملی خود ، وظیفه انترناسیونالیستی خود مید انست که برای آزادی خلقهای دیگر ایران نیز جانبا ری کند . و البته راه دیگری نیز برای این خلق متصور نیست . زیرا سرنوشت او با سرنوشت کرد ها ، ترکمن ها ، فارسها ، بلوچها و عربها در ایران گره خورد ه است . و این مبارزه ای است که تا دیروز علیه شاه و در باره بورژوازی وابسته انجام می گرفت و امروزه بایستی رژیم قرون وسطائی و خلق کش "فقها" را هدف قرار دهد . و در همین رابطه است که در مقدمه اساسنامه "انجمن فرهنگی

در ماههای اخیر تشکیلاتی بنام " آذربایجان کولتور اجاقی " (انجمن فرهنگی آذربایجان) در آلمان فدرال اعلام موجودیت کرده است ، که اساسنامه آن پیش روی ماست . در شرایطی که در کشورمان خلقهای محروم از حقوق ملی خود مبارزه جانانمایی را در مقابل رژیم جمهوری اسلامی پیش میبرند ، وظیفه همه سا زمانهای کمونیستی و مترقی است که از این مبارزه پشتیبانی کرده و در رشد و شکوفائی و حفظ فرهنگ این خلقها کمک نمایند . قصد ما نیز از بروداختن به این انجمن همین است .

اما قبل از بروداختن به خود انجمن و اساسنامه آن لازم است قدری در اطراف مسئله ملی و فرهنگی در ایران موموا و در آذربایجان خصوصاً صحبت کنیم . سرزمینی که اینک بنام کشور ایران نامیده می شود از دیرباز سکونت گسناه خلقهای مختلفی بوده است ، که در کنار هم زندگی کرده و در حالی که گنجینه فرهنگی مختص به خود را بوجود آورده اند ، در آفرینش فرهنگ و ادبیات غنی فارسی یاد قیق ترکیبیم ایرانی نیز سهم بسزایی داشته اند . مثلاً شاعران و ادیبان بزرگ آذربایجانی آثاری بزبان فارسی بوجود آورده اند که جزو شاهکارهای ادب ایرانی بشمار می آیند . اصولاً دهه زیادی از بزرگان ادب آذربایجانی فقط به فارسی سروده و نوشته اند . خاقانی ، نظامی ، نسیمی و دهها چهره ادبی دیگر می توان نام برد که ادبیات ایرانی را به اوچها رسانده اند . با اینکه این خلقها در کنار هم زندگی کرده و برای ایرانی آزاد و آباد باهمدیگر کوشیده اند ، ولی در اثر عوامل مختلف تاریخی و بعد هاد زمانی که تشکیل د ولت های مسلئی در دستور کار بورژوازی قرار گرفت خلق فارس در ایران تبدیل به "خلق برتر" و دیگر خلقهای ساکن ایران که اکثریت مردم را تشکیل می دهند به خلقهای درجه دوم و نفاذ حقوق ملی تبدیل شدند .

در کشور ما ایران در کنار ایجاد د ولت مقتدر مرکزی ، رضاخان و پسرش رهبران این سیاست شوونیستی بورژوازی فارس شدند و با تمام قوا و امکانات خود این سیاست ضد خلقی را پیش بردند . و بدین ترتیب یکی از سایل بفرنج جامعه ایران بوجود آمد که تا به امروز باعث ریخته شدن خونهای بیشماری شده است .

رژیم جمهوری اسلامی نیز برای د رجای پای رژیم گذشته گدشته و به عدالت ملی زیر پوشش مذهبی دامن زد و با برانداختن جنگ شیعه و سنی (اکثریت خلق های غیرفارس ایرانی بغیر از خلق آذربایجان سنی هستند) و بانفی وجود خلقها تحت لوای "امت اسلامی" ، نه تنها قدمی در راه د رمان زخمهای بیشمار این خلقها برنداشته ، برعکس با سرکوب خلقهای عرب و ترکمن که به بهای خون صد هانفوتام شد ، اکنون نیز جنگی هفت ساله را در کردستان به پیش می برد ، و در عمل نشان داده است که در رکنش و رکنش خلقهای محروم ایرانی دست کمی از رژیم شاهند ارد . همه این حقایق گویای آنست که زندگی خلقهای ایران در کنار هم هنگامی میتواند واقعاً براد رانه و برابرحقوق باشد که ادبلیا نه باشد . یعنی علیرغم آنکه این خلقها حق انتخاب داشته و بتوانند در صورت تمایل جد اشد و د ولت های ملی مستقل خود را تشکیل دهند ، در چها رچوب ایرانی آزاد و بسا برخورد اری از حقوق ملی خود باقی مانده و زندگی کنند . و گرنه در هر حال دست دیگری این زندگی در کنار هم و این "برادری" با سمنی و با زور سرنیزه خواهد بود .

انقلاب سوسیالیستی اکتبر در این مورد بهترین آموزش را به ما می دهد . بعد از پیروزی انقلاب سوسیالیستی مهمترین وظیفه کمونیست های این ملت ها در کنار ایجاد سیستم سوسیالیستی ، سعی در اشاعه و گسترش زبان ملی و فرهنگ و سنن خوب خلقهای خود بود . و اینگونه است که برای اولین بار دنیا بوجود خلقهایی با خبر می شود که سابق بر آن کسی آنها را نمی شناخت . اقوام و مللی که صاحب القبا نبودند ، با ایجاد القبا صاحب روزنامه ، تئاتر و راد یویزیون ملی خود شدند و آثاری به زبان مادری خود آفریدند که جزو شاهکارهای ادبیات شوروی محسوب می شوند . و صد البته در این کار شریف طبقه کارگر و کمونیست های این خلقها نقش درجه اول را بازی کردند . و اصولاً برای تکامل این خلقها راه دیگری نیز وجود نداشته . و در اتحاد شوروی انقلاب فرهنگی فقط و فقط از طریق گسترش زبان و ادبیات خلقهای مختلف بود که می توانست

بمناسبت ...

آذربایجان " بد رستی رژیم شاه هدف حمله قرار گرفته و آزادی کشی و محای حقوق ملی خلقهای غیرفارس توسط او و پدش مورد توجه قرار گرفته است برای همین بود که سعید در خفه کردن (منظور سرکوب حکومت ملی آذربایجان توسط رژیم شاه است) این حکومت نمود . محمد رضا شاه خائن با کمک آمریکا و انگلیس در روز ۲۱ آذر ۱۳۲۵ (۱۹۴۶) یعنی در سالروز تأسیس حکومت ملی این نهضت را در ریایی از خون خفه کرد . بیست و پنج هزار نفر فدایی ، کارگروشنفکر کشته و دهها هزار نفر شکنجه ، زندانی و تبعید شد . بعد از سرکوب حکومت ملی ستم ملی شدید تر شد ، هزاران کتاب و نشریه به جرم اینکه به زبان مادری نوشته شده بودند آتش زدند و زدند . د دانشگاه و مدارس به زبان آذربایجانی قدغن شدند "

اساسنامه دادامه یافته و رساله های اخیر تجلی نوینی پیدا کرد :
" از سالهای ۱۹۵۴ به بعد نسل جدید برای زنده کردن فرهنگ ملی خود به فعالیت مخفی و هلنی روی آورد . صعد بهرنگی ، علیرضانا بسدل (اوختای) و بهروز هقانی حاصل این نسل جدید به شمار می آیند . اینها از دهات آذربایجان ادبیات شفاهی خلق را جمع آوری کرده و پنهانی به چاپ می رسانند . " و بعد هانیز این خلق آذربایجان است که اولین گلوله را به سوی رژیم جبار پهلوی شلیک می کند :

" ۲۹ بهمن ۱۳۵۶ با زهم قیام از تبریز شروع شد . این قیام و تخت رژیم پهلوی را تکان داد و خلقهای دیگر را به مبارزه فرا خواند . سلسله پهلوی از بین رفت . و خلق مان سعید و راحیای موجودیت ملی خود نمود .
اما اینجاد در رابطه با رویداد های بعد از انقلاب بهمن اساسنامه " انجمن " فقط یکبار و آنهم بصورت گذرا از جمهوری اسلامی نام می برد . و هیچگونه اشاره ای به آزادی کشی ، ارتجاع و ضد بشری بودن این رژیم نمی کند . چرا ؟ معلوم نیست شاید بخاطر آنکه جمعیت خود را یک تشکیلات فرهنگی می نامد . ولی آیا فرهنگ آزادی ، پیشرفت و آرزوها و آیداهای شریف بشری میتواند جد باشد ؟ امروزه کمتر کسی را می توان یافت که جوابش به این سؤال مثبت باشد . لذا بهتر می بود که در مقدمه و مبطور کلی در خود اساسنامه بیشتر به جمهوری اسلامی پرداخته می شد و حداقل خلق کشی این رژیم در کردستان منعکس می شد .

در ادامه مقدمه با اشاره به دوران بعد از انقلاب می خوانیم :
" . . . در همین مدت کم صد ها کتاب و نشریه به زبان مادری چاپ شدند . لیکن بخاطر نبود یک تشکیلات ملی و اشتباهات سیاسی بعضی از نیروهای چپ ، خلق آذربایجان نتوانست فرهنگ ملی خود را حفظ کند . با زهم بسیاری از کتابهایی که به زبان مادری چاپ شده بودند از طرف رژیم جمهوری اسلامی قدغن و یاد رچهار چوب تنگی محدود شدند "

اینکه در شکست انقلاب بهمن عددمشکل مرد و اشتباهات و خیانت های نیروهای مثل حزب تود و اکثریت نقش داشتند شکی نیست . ولی اولاً اینجا مسئولیت بورژوازی از جمله بورژوازی آذربایجان مسکوت ماند و ثانیاً مسئولیت رژیم جمهوری اسلامی و فقهدارین امرخیلی بی رنگ عنوان می شود . و یاصحبت از عد موجود تشکیلات ملی می شود . این تشکیلات چه نوع تشکیلات و با کد ام بر نامه است ؟ رهبری آن دست چه کسی و یا کدام طبقه خواهد بود ؟ جامعه د لخواه این تشکیلات ملی چه نوع جامعه ای است ؟ اینها سئوالاتی هستند که در مقدمه جوابی برای آنها نمی توان یافت . آیا این فقط اشتباهات بعضی از نیروهای چپ بود که باعث شد خلق آذربایجان نتواند فرهنگ خود را حفظ کند ؟

واقعیت اینست که در آذربایجان مبارزه با ستم ملی و برای خود مختاری تا زمان جنگ جهانی دوم تحت رهبری بورژوازی و نیروهای دمکرات انجام گرفته است . بعد از تشکیل حکومت ملی آذربایجان این مبارزه هر چند که با کمک بورژوازی ولی تحت رهبری طبقه کارگران ادامه می گرفت . دوران بعد از شکست جنبش خلق آذربایجان و بخصوص اصلاحات ارضی شاه و پیروهای او قبل از ده جهل شروع ولی در ده جهل به اوج خود رسید ، کم کم بورژوازی آذربایجان را در اقتصاد کشور تیدیل به وزنه مهمی نمود . از طرف دیگر طبقه کارگران آذربایجان که نسبت به طبقه کارگران خلقهای دیگر ایران قدمت بیشتری دارد (اولین کارخانه قند ، چرم و کبریت سازی ایران در تبریز ساخته شده اند) بعد از اصلاحات ارضی ۱۳۴۲ و موج صنعتی شدن بعد از آن که باعث سرمایه گذاری زیاد رژیم در صنایع آذربایجان شد ، پرده تر گردید و تیدیل به معامل مهمی در حیات خلق آذربایجان گردید . بطوریکه به جرئت می توان گفت که

هیچ حرکت مهم سیاسی در آذربایجان بدون شرکت این طبقه انجام نشد نیست . لذا از یک طرف بورژوازی آذربایجان که دیگر بقول معروف " مشروطه خود را بدست آورد ه بود " ، تمایلی به شرکت در مبارزه ملی خلق آذربایجان نشان نمی دهد ، و از طرف دیگر این طبقه کارگران آذربایجان است که رشد کرد و شروع به بازی کردن نقش در وجه اول راد ر حیات سیاسی آذربایجان نمود ه است . و این اوست که از این به بعد پرچم مبارزه ملی و طبقاتی راه زمان باید برد و بشکند . و شکست یا عقب نشینی طبقه کارگر مستقیماً در مبارزه ملی نیز اثر خود را می گذارد . اینجا ممکن است گفته شود که رسالت طبقه کارگر نه مبارزه ملی بلکه مبارزه طبقاتی است و این بورژوازی است که پرچم مبارزه ملی می باشد . در جواب باید گفت : " مادامیکه وجه تمایزات ملی و دلتی بین ملتها و کشورها وجود دارد . و این وجه تمایزات حتی پس از عملی شدن دیکتاتوری پرولتاریا و مقیاس جهانی نیز مدت های مدید باقی خواهد ماند . آنچه که وحدت تاکتیک آنتراناسیونالیستی جنبش کمونیستی کارگری تمام کشورها ایجاد می کند ، از بین بردن تمایزات و وجه تمایزات ملی نبود . (در حال حاضر این فقط یک آرزوی پوچ است) بلکه بکار بردن اصول اساسی کمونیسم (یعنی حکومت شوروی و دیکتاتوری پرولتاریا) و آنهم به نحو نیست که بتواند این اصول را در شرایط مشخص صحیحاً تغییر شکل دهد و با خصوصیات ملی و تمایزات ملی کشور معین د ساز نماید و آنها را بموقع اجرا گذارد (بیماری کودکی " چپ گرایی " در کمونیسم) . (تاکید از ماست) .

و جلوتر هم گفتیم که بعد از انقلاب اکثریتزرتترین وظیفه کمونیست های خلقهای غیرروس اشاعه و ایجاد فرهنگ ملی خلقهای خود بود . پس مبارزه خلق در آذربایجان تحت رهبری طبقه کارگران و کولوزی آن باید انجام پذیرد . سرنوشت خلق آذربایجان از سرنوشت خلقهای دیگر ایران جدا نیست . آزادی خلق آذربایجان در گرو آزادی خلقهای دیگر ایران است . حل مسئله ملی در چهار چوب ایران سرمایه داری مشکل بتواند به صورت صحیح و منطقی انجام پذیرد . در این باره لنین می گوید :

" . . . من تأکید میکنم که راه حل مسئله ملی ، هر آینه در جهان سرمایه داری اصولاً چنین امکانی موجود باشد ، یکی است و آن دمکراتیسم پیگیر است . برای اثبات این قضیه من بعنوان مثال به سوئیس استناد می ورزم . (یادداشت انتقادی در مورد مسئله ملی اثر و . ای . لنین)

حل مسئله ملی در چهار چوب ایران سوسیالیستی بهترین حالت خود را می یابد . زیرا باز بین رفتن بورژوازی عد و تنها و دشمنی ها جای خود را به دوستی بین این خلقها خواهد داد . منتها این به آن معنی نیست که خلق آذربایجان تا به امروز باید دست روی دست بگذارد . بلکه مبارزه در راه حفظ موجودیت ملی و فرهنگ و زبان ملی باید پایبندی مبارزه در راه سوسیالیسم به پیش برد ه شود .

در اساسنامه " انجمن " در تعریف خود " انجمن فرهنگی آذربایجان " و توضیح هه فه ای آن بد رستی آنجا مرکز تجمع آذربایجانیهای وطن پرست و پیشرو اعلام و هه فه ای آن نیز رشد و گسترش زبان ، فرهنگ و هنر آذربایجانی شهرد شده است :

" انجمن تشکیلاتی است دمکراتیک که هدف آن ایجاد رابطه و هد ف واحد در میان آذربایجانیهای وطن پرست و پیشرو است که در خارج از ایران زندگی می کنند . همچنین شناساندن زبان ، فرهنگ ، هنر ، فولکلور و دیگر خصوصیات ملی خلق به دیگران و تکامل آن هدف انجمن می باشد . "

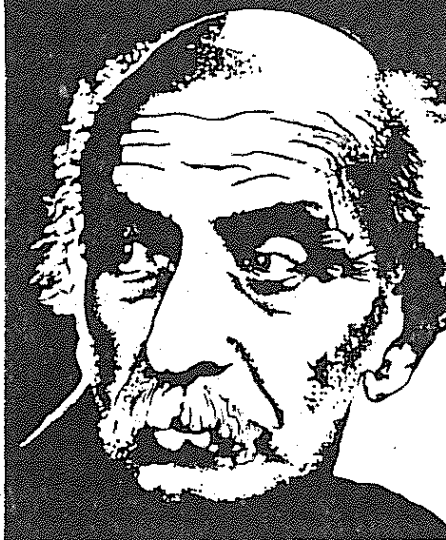
اما اینجانباز اساسنامه ارتکار موضوع مهمی مانند سدی که جمهوری اسلامی در مقابل گسترش " زبان ، فرهنگ ، هنر ، فولکلور و دیگر خصوصیات ملی " خلقها ایجاد کرده است می گذرد . هر چند که به صورت مبهم از مبارزه در راه بر طرف کردن ستم ملی صحبت کرده و گفته که در مقابل متجاوزین به حقوق ملی و منافع و فرهنگ آذربایجان عکس العمل مناسب را نشان خواهد داد .

اساسنامه " انجمن فرهنگی آذربایجان " نشانگر تأسیس تشکیلات دمکراتیکی است که می تواند در رشد و گسترش فرهنگ غنی خلق آذربایجان و حفظ زبان و سنن این خلق قدم بردارد . منتها نباید فراموش کرد که امروزه در ایران قدم اول برای هرگونه مبارزه با ستم ملی سرنوشتی رژیم جمهوری اسلامی است . زیرا پیشرفت فرهنگی در زیر سلطه رژیم " قحها " یعنی رژیمی که هیچگونه اعتقادی به حقوق خلقهای ایران چه فارس ، چه آذربایجانی و چه کرد ندارد ، متصور نیست .

نیما یوشیج

خروس می خواند

آبان ۱۳۳۵



عطسه‌ی صبح دردمان غش بست
نقشه دلگشای روز سفید.

این زمانش به چشم
همچنانش که روز
ره‌بر او روشن
شادی آورده‌است
اسب می‌راند.

قوقولی قو! گشاده‌شددل وهوش
صبح آمد، خروس میخواند.

همچو زندانی شب چون گور
مرغ از تنگی قفس جسته‌ست
در بیابان و راه دور دراز
کیست کوما نده؟ کیست کو خسته‌ست؟

قوقولی قو! خروس می‌خواند
از درون نهفت خلوت ده،
از نشیب‌رهی که چون رگ خشک،
در تن مردگان دواند خون
می‌تند بر جدا رسد سحر
می‌تراود بیه‌هرسوی هامون.
بانوایش از او رده‌آمده‌پر
مژده می‌آورد بیه‌گوش آزاد
می‌نماید رهش به آبادان
کاروان را در این خراب‌آباد.

نرم می‌آید
گرم می‌خواند
بال می‌کوبد
پرمی افشانند.

گوش برزنگ کاروان صداش
دل بر آوای نغز او بسته‌ست.
قوقولی قو! برای این ره‌تاریک
کیست کوما نده؟ کیست کو خسته‌ست؟

گرم شد از دم نواگرا و
سردی آور شب زمستانی
کرد افشای رازهای مگو
روشن آرای صبح نورانی.

با تن خاک بوسه می‌شکند
صبح نا زنده صبح دیر سفر
تا وی این نغمه از جگر بگشود
ورره سوزجان کشیده‌در.

قوقولی قو! ز خطه‌ی پیدا
می‌گریزد نهان شبکور
چون پلییدی دروج کزد صبح
به نواهای روزگرد دور.

می‌شتا بدبهر راه مردسوار
گرچه اش در سیاهی اسب بر مید

زندادان

آذر

بیا دینجره‌ام،

بیا دینجره‌ها بی که رویه‌شب دارد

بیا دنا خه نوری که برکتا ره آن

همان تبسم گمشته را به لب دارد

زیشت بنجره آخر نمی توان نشنید

ز قعر تاریکی

صدای سایش زنجیرهای خونین را

که با نوا ی سرود زمین

می‌آ میزد

تمیتوان نشنید

مفیردا شمه‌ها گل‌وله در قلبی

که از طیش ننشسته‌است و بر می‌انگیزد...

هنوز می‌خوانی

ومن چگونه نیبیم

ترا که بنجره زخمی است سما می‌شب

به رنگ آواز است

ترا پرنده کوچکی

که جرمت آتش زیبای زندگی در جان

وبالهای بزرگی

برای پرواز است.

در آسمان سیاه

که قطره قطره ستاره

نشانده بود بخاک

بفکر بنجره بود

بفکر بنجره‌های گشاده بر خورشید

پرنده با زیرید!

نظری به گردهمایی

بیست و هشتمین سالگرد تاسیس کنگفردا سیون

ادامه از صفحه ۱

کلی که برای بیش تدا رک دیده شده بود عجیب نیست؟ بخصوص وقتی خبرداریم که مبتکرین آن در این زمینه ها تجربیات ۲۸ ساله پشت سر دارند!

تا آغا زبرنا مهوا علام تم اصلی تحت عنوان بررسی تجارب کنگفردا سیون و راه حل عملی برای وضعیت امروز " در هیچ کجا علنا اعلام نشده بود که این پنج روز حول چه موضوعی بحث خواهد شد! او هنگامی که از روز دوم لیست با ملاحظه مربوط به بررسی کنگفردا سیون با زشد، بحث از خط خارج شد و پای جبهه آلترونا تیو، بمیان آمد. و از آنجا هم وارد عرصه های بی ربط دیگر شد. هیئت رئیسه جلسه نیز میا رتیبون را رها کرده بود تا هر کسی، جماعت را به هر طرف کسه خواست بکشد. با چنین روال غریبی پیدا بود جمع بندی در کار نخواهد بود. چطور ممکن است بدون آمادگی قبلی، بحثی مانند جبهه آلترونا تیو را که مستلزم تشریح مقولات اساسی سیاسی و تحلیلیها ی همه جا نبه از اوضاع جامعه و احزاب و طبقات گوناگون است در چنین اجلاسی پیش برد، تا چیزی دستگیر جماعت شود؟ حتی بحثی مانند کنگفردا سیون در خارج از کشور که اکثریت شرکت کنندگان بنحوی از انحاء با آن آشنائی داشتند نیازی به تدارک قبلی داشت. بنظر میرسد برپا کنندگان این اجلاس به تنها چیزی که فکر نکرده بودند، موضوع و نتایج مباحث در این گردهمایی بوده است (هدف اصلی آنان همانا راه انداختن چنین گردهمایی بود، بعنوان یک حرکت تبلیغی برای مطرح کردن خود). بی تردید اگر حل معضلات

یک درجه از زرده کاری و پراکنندگی فاصله گرفته اند و حاصل تجارسی هستند. بنا بر این اگر قرار باشد در باره چگونگی ایجاد یک تشکیلات سراسری ایمن دستاورد ها نا دیده گرفته شود، این حرکتی به جلو نخواهد بود، بلکه با زکشت به گذشته است. یعنی تشدید پراکنندگی و رواج انفرادی روشنفکرانه. و این سیاستی است که عملا در گردهما ثسی فرا نکفورت پیش گرفته شد. برپا کنندگان ایمن برتا مه با نا دیده گرفتن پیشرفت های کنونی جنبش ما در هر دو محور بحث در باره بروی انفرادی و روحیه ضد حزبی با زکذا شدند. و منافع روشنفکر منفرد را مبنای کار خود قرار دادند. مسلما این سیاست قادر نخواهد بود نقش متحد کننده ایفا کند. اگر مبتکرین این گردهما ثی قصدی جز استغاده تبلیغاتی برای مطرح کردن بعضی شخصیت های منفرد سیاسی نداشتند، می با یست موضوع بحث را قبلا مشخص می کردند تا نمایندگان سازمان های سیاسی و هر کسی که حرفی برای گفتن داشت با آمادگی لازم شرکت می جست تا این چنین وقت و انرژی مردم بدهد نرود. بخصوص همانطور که گفتیم در زمینه جبهه سیاسی علیه رژیم جمهوری اسلامی چنین روشنی ضرورت داشت. بدیهی است تنها در این صورت امکان دست یافتن به جمع بندی میسر می گردید. و جمعیت شرکت کننده به جای ذهنی مغشوش شده و بی اعتماد به وحدت نیروهای دموکرات با دستی پر سمینا را ترک می کرد. بی اعتنائی سازمان دهندگان سمینا ربه این جنبه ها بخوبی نشان میدهد هدف از گردآوری عده زیادی از علاقه مندان به جنبش دموکراتیک و نیروهای انقلابی نه تحکیم مبارزات دموکراتیک و پیوند نیروهای دموکرات بلکه ترویج مشی انفرادی و روشنفکران بی عمل بوده است.

کار دموکراتیک در خارج از کشور و یا بخصوص، راه یابی برای ایجاد یک جبهه براندا زی مدنظر میبود. ترتیب یک چنین گردهما ثی که پنج روز وقت افراد بسیاری را گرفت غیر از این بود. روش برپائی این گردهما ثی حتی از سمینا رهای محلی که دا ثنا توسط گروه های هواداری در شهرهای مختلف برپا میشود عقب مانده تر بود.

علت این عقب ماندگی ولی در یک درک معین سیاسی نهفته است. گرایشی که قاندر نیست وضعیت کنونی جنبش ما را مبنای حرکت خود قرار دهد. این گرایش بخصوص در بحث مربوط به ایجاد جبهه آلترونا تیو و بحث های حول و حوش آن ظاهر شد. یک بحث صحیح و همه جا نبه و نتیجه بخش در باره این موضوع نمی تواند از طرح های موجودی کسه احزاب مختلف در سطح جنبش ارا نه کرده اند حرکت نکند. این استدلال به این معنا نیست که کسی حق ارا نه طرح دیگری را ندارد. بلکه بحث بر سراسر روش است که با ید مطلب را در یک چارچوب معین که امروز جنبش در مقابل ما نبهاده قرار داد و بسا شرکت نمایندگان هر یک از طرح های پیشنهادی را پیش برد. هر گاه می گاه امروز در این جهت نخواهد برداشته شود، چاره ای ندره جز اینکه از مصالح موجود و دستاوردهای کنونی بهره گیری. این موضوع درباره ایجاد یک سازمان سراسری دموکراتیک در خارج از کشور و رضاد قاست. برای ایجاد چنین تشکیلاتی، نمی توان کانون ها و انجمن های موجود را، با وجود هر ضعیفی هم که داشته باشند دور زد. شکل های موجود

خداوند شخص را بر کام مبتلا میفرماید - وقتی که کتافتهای سر مرتباً بواسطه زکام خارج میگردد جلوگیری از یک نوع جنون مینماید .

و قتی که شخص بخواهد مبتلا به کوری شود ، خدا او را به چشم درد مبتلا می فرماید و برای جلوگیری از جذام یعنی خوره ، موی بینی از آن پیشگیری می کند . لذا باید با مقراض یعنی قچی این موها را چید نه شود به برکت سرفه از آن جلوگیری میشود و برای جلوگیری از برص یعنی پیسه که پوست دگرگون و زشت میگردد خدا او را به دمل و کورک مبتلا میفرماید که خون فاسد خارج شود و از تاثیرش در پوست جلوی گیری نماید . و هنگامیکه زمینه بواسیر پدید آید ته پا ترک میخورد ، بخاراتی از شقاق پا خارج میشود مانع از بیماری سخت ترمیگردد . هر چند وقتی هوا سرد میگردد ، شخص ناراحت میشود ، نمیتواند در دسترا برود ، لکن می ارزند ، شرکم در برابر خیر کثیر که جلوگیری از شرکتر است .

این یک نمونه کوچک از روایات بیشمار از سنت معصومین " است که یکی از سه مولفه نظام ولایت فقیه در قانونگذاری و نظام ارزشهای آنست. حال مسلمانان بیشتر از این نیازی به توضیح معنای " عقل " و خوابی که مجلس ارتجاع برای آموزش و پرورش ایران می بیند ، نیست !

معنای عقل!

و به همین ۱۴ مورد ناقابل رضایت داد اند نه بخاطر این بوده که اسلام دیگر بیشتر از این ظرفیت تأکید نداشته بلکه بخاطر رعایت بند ۱۳ همین ماده بوده است ! با زهم خدا را شکر!

و اما ما که از توضیح "عقل" بعنوان اصل اول از "اساس" اسلام برای خوانندگان عاجزیم ، فقط سعی میکنیم با آوردن یک نمونه از "سنت معصومین" بعنوان اصل سوم از "اساس" اسلام ، برای درک معنای "عقل" در نظام ولایت فقیه اما ده تر شویم!

آیت الله دستغیب در کتاب تاریخی - علمی "در شرح و تفسیر سوره شریفه و آتعه صفحه ۱۷ می نویسد:

"سلمان فارسی در چار زکام شدیدی گردید . سر و گردن را پیچیده بود و خد مت امیر - المؤمنین علی علیه السلام رسید . حضرت به او فرمود در هر فردی شش رگ است ، رگ دیوانگی ، کوری ، جذام ، طاعون ، بواسیر . آنوقت فرمود : هنگامیکه رگ دیوانگی بحرکت در آید یعنی در بدن ، مقد مات دیوانگی فراهم شود

سرانجام مجلس ولایت فقیه در هفدهم آذر سه ماده از "طرح قانونی اهداف و وظایف وزارت آموزش و پرورش" را تصویب نمود . نگاهی گذرا به ماده یک و د این طرح برای درک عمق تحقیق و جایگاه اندیشه و عقل در نظام ولایت فقیه کافیت .

"فصل اول - اهداف اساسی وزارت آموزش و پرورش":

" ماده ۱: تقویت مبانی اعتقادی و معنوی دانش آموزان از طریق تبیین و تعلیم اصول و معارف احکام دین مبین اسلام و مذهب حقه جعفری اثنا عشری بر اساس عقل ، قرآن و سنت معصومین ."

"ماده ۲:

- ۱- رشد فضائل اخلاقی و تزکیه دانش آموزان بر پایه تعالیم عالیه اسلام .
- ۲- تبیین ارزشهای اسلامی و پرورش دانش آموزان بر اساس آنها .
- ۳- تقویت و تحکیم روحیه اتکال به خدا و اعتماد به نفس .
- ۴- ایجاد روحیه تعهد دینی و التزام عملی به احکام اسلامی .
- ۵- ...

اینکه آخوند جماعت مجلس نشین بیشتر از این! ماده را طولانی نکرده و به ۱۰۰ و ۲۰۰ نرسانده

پیروزی پناهندگان ...

کشورهای مختلف بصورت موثر به مقابله برخاستند. در این رابطه با پناهندگان را همپا داد و ورشکسته‌ها زمان مهاجرت با سکوت دربار فعالیتهای پناهندگان را حمایت و شخصیت‌های سیاسی دیگر را دیگر حمایت فزاینده تیک خود را بنام پناهندگان گذاشت و نشان داد برای این با زمان تنها منافع حقیر گروهی مطرح است و نه حقوق دمکراتیک عمومی.

اگر پیروزی پناهندگان و عقب نشینی دولت امپریالیستی و شکست توطئه‌های رژیم فتنه‌پسای بنفشاریم، بیش از هر چیز برای روشن کردن مسیر حرکت حال و آینده است. با در نظر گرفتن دستاوردهای این حرکت با پناهندگان حمایت بیشتری نسبت به سرنشوت همگانی در اینجاست و آنجا بر خوردن ما هم اکنون تعداد زیادی از هموطنان ما در پاکستان در خطر توطئه‌های مشابه آنچه قرار بود در فرانسه انجام شود، قرار دارند. چنین است وضع سخت پناهندگان مقیم ترکیه و روند فتنه‌ها را فزاینده بر پناهندگان در آلمان که بصورت افزایش میزان ردی درخواست پناهندگی جلوه‌گر است. همبستگی است امتناع از پذیرش درخواست پناهندگی در کشورهای اسکاندیناوی و انگلیس و غیره که سه‌با دیورت متقاضیان نیز همراه بوده است. با گسترش فعالیت تشکلهای پناهندگان بر موازین کاملاً دمکراتیک و سازمان‌داده و وسیع‌ترین پایه توده‌ای آنها و با دست‌یازیدن به اتحاد عمل‌های گسترده میتوان به دستاوردهای چشمگیر دست یافت!

عصفتواها و اوج بحرانها

میان "بالا نیما" و چه در رابطه با رشدنا رضایتی توده‌ای بحدی رسیده است که دیگر جانی برای ادامه ما نورهای کهنه نمی‌گذارد. و این در حال نیست که مجلس سوم، که با یدتضمین کننده چنین حکومت متمرکزی باشد، در پیش است. به یک کلام، واقع بیش از آن وخیم است که خمینی "بنای سکوت" داشته باشد یا از "علما" بخوابد که خود بررسی کنند و وحدت را حفظ نمایند. اینست علت آغاز شدن عصفتواها برای تحکیم قدرت دولت.

اما چنانکه می‌بیند رند مسئله بخوبی و خوشی فیصله نخواهد یافت، رفسنجانی در فریاد پنا سخی خمینی به خامنه‌ای، که در آن علاوه بر توبیخ خامنه‌ای راجع به تحریف نظرات (خمینی) در نماز جمعه در مورد حکومت با شدت و صراحت سه‌بار حکومت را همه‌کاره اعلام کرد. در مجلس گفت: "اگر کسی مرض نداشته باشد دیگر نباید مخالفت کند و اختلاف وجود نداشته باشد". بلکه موضوع بر سر آنست که آیا بدرستی میدانند که "مرض" دارند و زیر بار نخواهند رفت. واقعیت اوضاع بحرانی جامعه نیز برنا ممکن بودن تحکیم قدرت دولت گواهی میدهد.

زیرا علاوه بر وجوددها معضل لاینحل در برابر دولت، اینبار جنگ قدرت یک جنگ خانگی در میان دو بخش اصلی رژیم و دستگای روحانیت است که با ابزارهای مخصوص خود یعنی فقه و اصول ایدئولوژیک اسلام به جان یکدیگر افتاده‌اند. امروز روحانیت پیرو ولایت فقیه از بالاترین شین شکاف برداشته است. اگر چه با دخالت خمینی، جناح فقه سنتی و با زار فعلا خفان گرفته است اما بازی تمام نشده نیست. آنها خودی هستند و به انحاء مختلف سر بر می‌آورند، حتی بصورت "مال خود کردن" موضع خمینی! نبرد برای قدرت ادامه دارد!

نگردید، این دوران بحران حکومتی اساساً ناشی از پیشروی جناح با زار بود که با دستیابی به امکانات وسیع اقتصادی خواهان نقش‌آیاسی در قسوه اجرائی بفتح بخش خصوصی بود. آنها با حربه فقه سنتی و تحت زعامت شورای نگهبان و مدد سیسن و غیره با جلوگیری از تصویب لوایح در کار دولست اخلال می‌کردند. ضعف بنیة اقتصاد رژیم بعلاست جنگ و بحران با زار رفت و رشدنا رضایتی توده‌ای زمینه‌ها می‌بودند که حریف در پیش روی خود از آنها سود می‌جست.

با نزدیک شدن انتخابات دور سوم، که نقش مهمی در آینده رژیم خصوصاً بعد از فوت خمینی خواهد داشت، لزوم جلوگیری از پیش روی این جناح ضرورت بیشتری پیدا کرده است. البته ضحمله‌های جناح "دولتمدار" از مدت‌ها پیش از صدور فتواها بصورت مبارزه با احتکار و "طوغت‌ها" عزل و نصب‌های وزیر کشور در استان‌ها و غیره آغاز شده بود. اما این جنگ و دعوا، با این پیشینه و البته با سابقه ای به قدمت تمام عمر رژیم چراا مسرور به شیوه صدور فتوا با بدل شود؟

در استراتژی خمینی بعنوان "رهبر" حکومت فتنه قدرت دولتی جای مهمی را اشغال می‌کند، و در زمره آندسته زهربران مرتجع سیاسی کشور است که نسبت به "قدرت سیاسی" هیچگاه توهم و تزلزلی نداشته است. در مقطع کنونی نیز همین مسئله و دقیقاً همین مسئله در کانون اقدامات و قراردادهای است. خط اساسی او برای غلبه بر بحران مملکت، تشکیل یک دولت متمرکز و قوی است و این را بعنوان یک آموزش از خود بحران جا معسه آموخته است. اما ما نورهای او برای شکل دادن به چنین دولتی تاکنون شکست خورده است. در موقعیت کنونی اما ایما بحران چه در

"چشم انداز" منتشر شد

شماره (۳) چشم انداز، گاهنامه‌ای که به وسیله ناصریا کد امان و محسن یلغانی منتشر میشود، به بازار آمد. در این شماره آثاری می‌خوانیم از: ناصریا کد امان، مصطفی شما عیان، الف. ه. کشاورز، تورج اتابکی، ناصرشاهنگ، اکبر سرد و راهی... و اشعاری از اسماعیل خویی، م. پیوند، بتول عزیزپور، سعید یوسف و...

برای سمینار آخن ...

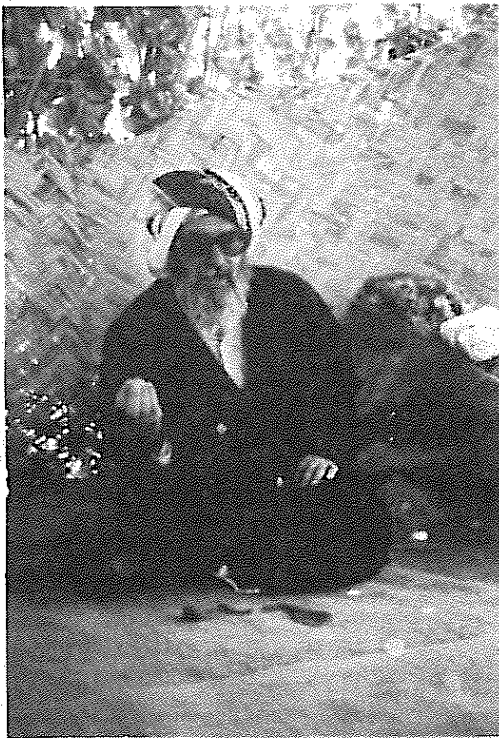
قرار میدهد، به یک تعریف صرفاً منفی از شکل توده‌ای میرسد. در حالیکه گرایش مقابله به عنوان سیاسی بودن شکل پناهندگان تا بیانات اکیونیتی خود را تئوریزه می‌کند. ما در جای خود به توضیح بیشتر این دو تعریف خواهیم پرداخت. ولی تا آنجا که موضوع روش فعالیت در میان است، ما معتقدیم اغلب تشکلهای موجود بیش از آنکه روی مسائل پناهندگی متمرکز شده و مطالبات و شعارها را شکل مبارزات و فعالیت اجتماعی این گروه اجتماعی را مورد بررسی قرار داده باشند. و این کار سنگ بنای فعالیت توده‌ای است. خود را درگیر اقدامات پراکنده کرده‌اند.

بنظر ما محورهای یا دشده موضوعات عاجل شکل‌های پناهندگی و دکراتیک است که با ید توسط آنها حل و فصل شود. سمینار آخن با پرداختن به این محورها قطعاً خواهد توانست که مدیگری در جهت تحکیم اصول فعالیت کانون‌ها و تشکلهای یک تشکلات سراسری بردارد.

پاریس به ایران قول فروش راکت داد!

لندن - ۱۲ ژانویه: طبق اطلاعاتی که نشریه تکنیکی انگلیسی "ایندپندنت" (Independent) منتشر نموده است، فرانسه در نظر دارد بزودی تکنولوژی پیشرفته نظامی - بخصوص راکت - به ایران صادر نماید. با کمک این راکتها، ناوهای سریع پاسدوران مدیترانه خواهند شد. بطوریکه این نشریه در شماره روز سهشنبه خود گزارش داده است، صد و این تکنولوژی نظامی بر اساس قرارداد محرمانه‌ای بین پاریس و تهران صورت میگیرد. که در سال گذشته منعقد گردیده است. نشریه "ایندپندنت" پیش‌بینی میکند که این قرارداد بیش از همه صد و راکت‌های "اکسویست" و راکت‌های اتومات زاد برودارد، که بر روی ناوهای سریع از نوع "کامان" (Kaman) سوار خواهند گردید.

ترجمه از روزنامه فرانسوی ترنوند شام و چهارشنبه ۱۳ ژانویه ۱۹۸۸



بنا به درخواست "پیام کارگر" مصاحبه ای با ما موستاشیخ عزالدین حسینی توسط یکی از رفقای ما در کردستان انجام گرفت که متن آنرا ذیلا مطالعه می کنید .
با تشکر از ما موستاکه درخواست ما را پذیرفتند و با حوصله و اشتیاق به سئوالهای طرح شده پاسخ گفتند . برای ایشان آرزوی موفقیت می کنیم .

هیئت تحریریه

مصاحبه

"پیام کارگر"

قسمت دوم

با ما موستاشیخ عزالدین حسینی

مسلم است که جامعه انسانی روز بروز در حال تکامل است و چیزهایی که شاید در هزار سال پیش ، عدل بوده ، امروزه بنیمن که ظلم است . اسلام می گوید که باید عدالت را بپاک کرد . من به این معیار تکیه می کنم ، آیا اصلاح جامعه انسانی یا اصلاح یک ملت چیست ؟ هرچه هست آن برحق است .

سئوال : جمهوری اسلامی با اتکا به یک سلسله احکام شرعی دیگر ، آزادی و هویت مستقل زنان را در هیچیک از برهه های زندگی اجتماعی به رسمیت نمی شناسد . شما در این رابطه نظرستان چیست و مفهوم آزادی زنان را در چه میدانید ؟

ما موستا : شکی در این نیست که خیلی به زنان ستم شده است . هم هنگامیکه در خانواده ای پدر هستند ، هم هنگامیکه در خانواده ای شوهر هستند و هم در اجتماع . این اساسا از نظر من مرد است . من معتقد به حقوق مساوات و برابر زن با مرد از حیث حقوق اقتصادی ، اجتماعی ، سیاسی و فرهنگی هستم . یعنی همچنانکه مرد برای اش امکان هست که در آنجا تکامل را ببیند و به آن چیزی که در استعداد او توانایی اش نهفته است می تواند برسد ، زن هم باید همینطور باشد ، نه با زورنه با هیچ حیل و نیرنگی نباید او را از پیشرفت بازداریم و آزادی اش را محدود کنیم . ولی یک چیز دیگر که می خواهم مطرح کنم این است که من همیشه آزادی را از روی بند و باری جدی دانم . من معتقد به آزادی ام ولی مخالف این هستم که زن و مرد ، مخصوصا زنان ، تحت نام آزادی ، بی بند و بار ، باشند ، در عین حالیکه در جامعه تحت استعمار قرار بگیرند . همچنانکه زن نباید تحت ستم و استعمار قرار بگیرد ، به هر شکلش ، همینطور نباید مانند سابق فقط ظاهرا آزادی داشته باشد ولی در واقع تحت استعمار مرد قرار بگیرد . زن باید این احساس را بکند که یک شخصیت مستقل است . در جامعه

و نه اینکه آنها در خدمت مذهب ، خمینی و سایر کشورهای ارتجاعی که می خواهند حکومت مذهبی را پیاده کنند ، می خواهند به این وسیله قدرت را در دست بگیرند و برگرد هی مردم سوار شوند و حقوق آنها را پایمال کنند ، اینها دروغ می گویند . این اسلام می گوید که من می شناسم این نیست که اینها می گویند . و اساسا به نفع مذهب است که به چنین حکومتی آلوده نگردد و قدرت خود را حفظ کند . کسی که وجدان معتقد است می رود نماز می خواند ، آزاد است نماز بخواند یا نخواند . وقتی که ببینند اگر در صف جمعه حاضر نباشد یا مسجد نرود و نماز نخواند کوبن به او نمی دهند یا حقوقش را نمیدهند ، این نماز چه ارزشی دارد ؟ این نماز برای پول است ، برای برونج است . این نماز نیست ، نماز طبق قرآن ، تنها از وجود ان و ایمان انسان باید سرچشمه بگیرد . روی این مسئله ، عقیده ام این است که نه اینکه یک حکومت ضد مذهبی روی کار بیاید ، چون آن هم مکراسی را از بین می برد . من می گویم حکومت غیرمذهبی .

سئوال : نظورتان در مورد قوانین اسلامی مثل قصاص و تعزیرات و دیات چیست ؟ آیا مخالفت شما با دولت مذهبی ، به معنای مخالفت شما با این قوانین هم هست ؟

ما موستا : باید یک چیز را یاد کنید که در دین چیزهایی هست که اصول است و قابل تغییر نیست و در هیچ شرایط و زمانی دگرگونی نمی پذیرد ، ولی بعضی قوانین در اسلام هست که تابع شرایط زمان و معلول علت هاست . می توان آنها را طبق شرایط زمان تغییر داد و گاملا بر شرایط منطبق کرد . آنچه جمهوری اسلامی می کند ، برحسب نیست ، قانون اسلامی نیست ، این یک کشتارگاه است ، یک فاجعه است ، در صورتیکه ما بخواهیم قصاص را اجرا کنیم ، باید سران حکومت جمهوری اسلامی را قصاص کرد .

سئوال : در رابطه با همین مسئله ، همانطور که می دانید طیف وسیعی از لیبرال ها به اختلافات درون هیئت حاکمه چشم دوخته اند و در برابر رشد جنبش توده ای ، تراستحالی رژیم را دنبال می کنند . نظر شما در این مورد چیست ؟

ما موستا : به عقیده من به هیچ وجه امکان ندارد که استحاله ای در این رژیم صورت بگیرد . در رژیم استحاله ممکن است که قانون اساسی اش تا حدی شرقی باشد ولی کسانی که حکومت می کنند آن را نادیده بگیرند و به آن عمل نکنند . در آن حالت ، می شود گفت که اگر در هیئت دولت تغییری بوجود بیاید و آن قانون را اجرا کنند ، تا حدی رفرم و استحاله عملی است . ولی در رژیمی که روی دیکتاتوری ولایت فقیه تکیه کرده است چطور ممکن است استحاله ای صورت بگیرد ؟ البته ممکن است این رژیم مثلا از ادعای صد و انقلاب دست بردارد و با امیرالایسم کنار بیاید ، اما اینکه در این ایران طوری بشود که رژیم ، عدالت اجتماعی و آزادی و تلاش برای رشد و تکامل علمی و فرهنگی را مد نظر قرار دهد و حقوق زحمتکشان و زنان و خلقهای ایران از جمله خلق کرد را به رسمیت بشناسد ، امکان پذیر نیست . این رژیم ، بدترین شکل دیکتاتوری مذهبی و ابرجاء معهاکم کرده و اساسا یک چنین رژیم مذهبی ای نمی تواند به هیچ وجه دیکتاتیک باشد یا امکان دیکتاتیک شدن داشته باشد .

سئوال : ما موستا ! لطفا بطور مشخص علل مخالفتتان را با دولت مذهبی - علاوه بر اینکه بطور کلی یک دولت مذهبی نمی تواند دیکتاتیک باشد - توضیح دهید .

ما موستا : ببینید ، حکومت هایی که از مذهب دفاع می کنند بخاطر بدست گرفتن و تحکیم قدرت از مذهب دفاع می کنند . آنها مذهب را به عنوان وسیله ای برای حکومت کردن و استعمار کردن در خدمت می گیرند . مذهب در اختیار رود و خدمت آنهاست

مصاحبه با ...

دنباله رونیست . و اینکه می گویم مساوات و برابری و آزادی ، به این معنی نیست که زنان و مردان در تقسیم کار و برابری هستند . نه به این معنی که هیچ زنی نمی تواند کار مرد را انجام دهد و هیچ مردی نمیتواند کار زنی را انجام دهد . ولی عقیده ام این است که خود بخود در طبیعت تقسیم بندی هست ، زنان برای کارهایی مناسب ترند اما نه اینکه باید آن کارها را بکنند و این کارها را بخوانند به آنها سپرد . مسئله اساسا انتخاب آزادانه است هم برای مردان ، هم برای زنان . زنان را باید آزاد گذاشت که مطابق استعداد و به مقتضای طبیعتشان رشد کنند . در دنیا تا امروز کارهای سنگین در دست مردان بوده ، ولی زنانی هستند که در این زمینه هم به پای مردان می رسند یا زمینند او را کبر سرسند . من عقیده دارم که باید این زمینه را هم برای مردان هم برای زنان فراهم کرد .

سؤال : چگونه میشود این زمینه را فراهم کرد ؟
زمینه ای اجتناب ناپذیر است که زن خود را به عنوان یک شخصیت مستقل در جامعه ارائه دهد .

ما موستا : در مکرسی . و این یعنی هرملتیسی حکومت خودشان را داشته باشند و در استعمار ملت دیگر نباشد . در تمام این همه یگر باشنند ، همه یگر را تقویت کنند . و یک ملت مادام که یک ملت باشد باید خودشان سرنوشته خودشان را تعیین کند . و این را من برای هر فردی در جامعه قائل هستم . ریشه ای استعمار ملت از ملت و فرد از فرد را باید قطع کرد .

سؤال : آیا این ارزشه قطع کردن استعمار به نظام حکومتی مربوط است ؟

ما موستا : بله . باید تلاش کرد که سرمایه داری از بین برود . من معتقدم که سرمایه داری برای دنیای امروز عدل نیست ، غیرطبیعی است . یک سوسیالیسم واقع بینانه باید پیدا شود . هیچکس امتیاز غیرطبیعی نباید داشته باشد و هیچکس استثماری نباید باشد ، اما امتیاز طبیعی بنظر من از بین نمی رود . مثلا یک پزشک خدمتگزار و وظیفه شناس همیشه در جامعه ، ارزش خاص خودش را دارد که یک پرستار ندارد . این یک نظام طبیعی است . سرمایه باید در خدمت جامعه باشد نه اینکه جامعه در خدمت سرمایه باشد . یعنی هر کس آنقدر امکانات اقتصادی باید داشته باشد که برای زندگی خودش به آن نیاز واقعی دارد ، اگر از رفح نیا بیشتر باشد به حقیقت مال او نیست ، مال دیگران است . ولی این باید برایش کارکرد ، از راه پرورش ، از راه تکامل جامعه انسانی ، از راه علم و معرفت . به این زودی ما نمی توانیم بسنه آن برسیم . ما اگر رژیم خمینی را ساقط کنیم و یک رژیم دموکراتیک را در ایران روی کار بیاوریم خیلی پیشرفت کردیم . شاید خیلی فروتنشیب ها و مشکلات در راه رسیدن به این جامعه انسانی که روی اصول سعادت و خوشبختی و رفاه و برابری بنا شود اعتقاد دارم . آگاهی دادن به مردم در این رابطه ، خیلی اهمیت دارد . مردم باید بدانند که ستم چیست و برای رفع آن چه باید کرد . بسیاری از مردم ما هنوز نمی دانند ستم چیست . سالها در رستم اند اما تصویری ندارند که رستم نیستند ، استثماری نمی شوند . باید مردم را آگاه کرد ، آگاهی سیاسی و طبقاتی ، باید نیروهای انقلابی خیلی کار کنند که به توده های مردم

ولت های تحت ستم بگویند حقت ضایع شده و مورد استعمار قرار گرفته ای . تا آگاهی توده های مردم نباشد ، هیچ حکومت مردمی پیدا نمیشود . بعضی می آیند بنام مردم حکومت را در دست می گیرند و مردم را زانها پشتیبانی می کنند ، اما دروغ می گویند و نمایندگان واقعی مردم نبودند و بعد از به قدرت رسیدن ، تغییر جهت دادند و انقدر در بسیاری از کشورهای اینوا دیدیم . مردم را باید آگاه کرد که فریب نخورند ، چون وقتی آگاه و متحد نباشند ، آن استعداد را هبند از آنکه هر وقت بخواهند حاکمان و صاحب منصبان را پائین بیاورند ، و دوباره دیکتاتوری بر آنها حاکم می شود .

سؤال : آیا فکری کنید که تنها ، آگاهی ملاک حاکمیت مردم است ؟ آیا مردم صرفا با تکیه به آگاهی می توانند نمایندگان خودشان را داشته باشند ؟
ما موستا : اجازه بدید . اینکه میگویم مردم آگاه میشوند ، در صورت آگاه شدن هم ، بدون شکل مسلم است که هیچ کاری نمی توانند بکنند . باید در یک قاعده های سیاسی ، مردم را متشکل کرد . بدون شکل ، مردم مانند خشت های پراکنده ای هستند که هیچگاه به ساختن تبدیل نخواهند شد . یکی از دلایل اینکه حکومت جمهوری اسلامی سقوط نمی کند همین عدم تشکل مردم است . مسلم ، با اینکه مردم از جزو خمینی آگاه هستند اما چون تشکل نیست ، موجبات سقوط رژیم فراهم نمی آید . این شرط اول است . و آگاهی و تشکل با هم در ارتباط تنگاتنگ می باشند .

سؤال : ما موستا ! نظر شما در مورد جنگ ایران و عراق ، بحران خلیج فارس و چشم اندازهای احتمالی آن چیست ؟

ما موستا : مسلم همه می دانیم که جنگ ایران و عراق ، یک جنگ ارتجاعی است . علاوه بر زبان های اقتصادی ، و این همه کشتار و آوارگی ، چیزی که در این جنگ مایه تأسف است ، این است که این جنگ ، هدف ندارد . این جنگ به بن بست رسیده . تا آن موقع که خرمشهر آزاد شد ، ملت ایران حق داشتند از خودشان دفاع کنند ولی بعد از آن ، دیگر هیچ علتی برای ادامه ای نمی توان پیدا کرد . البته جمهوری اسلامی برای تثبیت خودش ، برای اینکه از اعتراضات توده های او زود می ترسد ، برای اینکه خمینی اساسا جنگ طلب و جنایتکار است و کل جمهوری اسلامی هم از او پیروی می کند ، جنگ را ادامه می دهد . شما مطلع هستید که در جنگ بر خلق کرد تحمیل شده ، یکی جنگی که جمهوری اسلامی به این خلق تحمیل کرد و الان نزدیک به ۲۰ هزار نفر برای اشغال کردن استان در کردستان هستند ، و دیگری جنگ ایران و عراق ، که چنانچه تخریب و جنایتکارانه ای برگردانده است . من در ادامه جنگ ، خمینی را مقصر می دانم . جنگی که هیچ نتیجه ای ندارد و جمهوری اسلامی خواه جنگ را ادامه دهد خواه آتش بس کند شکست خورده است . در صورتیکه جنگ را ادامه دهد امکان ندارد پیروز شود چون شما خودتان می دانید کسانی که به جنبه ها برده شده اند و سرپا زاجباری اند ، اغلب از جنبه ها فرار می کنند ، هیچکس با رغبت به جنبه ها نمی رود حتی اگر قبلا برای تأمین زندگی خود مجبور بودند به جنبه بروند ، این انگیزه هم دیگر وجود ندارد . جنگ برای مردم مجزورانی و خسارت و از دست دادن عزیزان چیزی به بار نیاورد و از نظر همه ی مردم یک فاجعه است ، از طرف دیگر اگر فرضا صلح بکند ، چون به آن اهد افی که اعلام کرد که راه قدس از کربلا می گذرد و انقلاب را صادر می کند و

و ده هایی که به مردم داد برای اینکه آنها را به جنگ بکشاند ، دست پیدا نمی کند آیا مردم ایران از او با زحمت نمی کنند که این همه مردم را به کشتن دادی این همه از کشورها از زمین بردی ، این همه آوارگی بوجود آوردی ، قدس کجاست ؟ کربلا کجاست ؟ برای همین است که خمینی به سادگی زیر بار صلح نمی رود . در مورد مسئله خلیج هم مسلم است که آمدن آمریکا و متحدینش تنها به خاطر این نیست که کشتی های کویت را تانگین کنند ، بخاطر این است که جلوی حمله ایران را به کشورهای خلیج بگیرند و بخاطر این است که به جمهوری اسلامی فشار بیاورند که صلح بکند . یعنی اهد افی عمیقتر و گسترده تر از مسئله ی کویت در کار است و جمهوری اسلامی خودش این را می داند و علی رغم حرفهایش ، در عمل عقب نشینی کرده است . و بنظر من خمینی به صلح تن خواهد داد ولی نه به این زودی . زمینه را ابتدا در مردم آماده می کند ، مانند مسئله گروگان ها .

سؤال : ما موستا ! همانطور که می دانید جنبش بان اسلام میستی علاوه بر ایران در برخی کشورهای عرب و آفریقای ، به یک مسئله ای حاد سیاسی تبدیل شده ، و خمینی هم با اتکا به همین نگرش ، جنگ ارتجاعی اش را ادامه می دهد و اینجا و آنجا دست به عملیات تروریستی می زند ، که واقعه ای اخیر که هم در راستای همین نگرش و همین سیاست ها رخ داد . نظر شما در مورد جنبش های اسلامی و اصولا بان اسلام چیست ؟

ما موستا : بنظر من کسانی هستند که از اسلام دفاع می کنند ، بخاطر اسلام کار میکنند و واقعا به این مسئله اعتقاد دارند ، و این ربطی هم به بودن یا نبودن خمینی ندارد ، من آنها را نمی شناسم . نمیگویم موفق می شوند و نمی گویم در تشکیل یک حکومت مذهبی با آنها موافقم ، این مسئله دیگری است . و چون عمیقا به اهداف خود ایمان دارند و برایش کار می کنند و تحت تأثیر هیچ جریان دیگری نیستند ، برای آنها ارزش قائم . ولی جریانهایی که فعلا در سطح خاور میانه وجود دارند بنظر من تحت تأثیر جنبش اسلامی و صد و انقلاب اسلامی خمینی — مستقیما پیغمبر مستقیم قرار گرفته اند — به اینصورت که جمهوری اسلامی ، دخالت می کند ، آنها را آلت دست قرار می دهد ، به آنها کمک می کند و آنها هم تحت تأثیر جوئی که جمهوری اسلامی بوجود آورده قرار می گیرند . من بعضی از آنها را فریب خورده می دانم و بعضی را با خمینی در جنایت سهیم ، و معتقد نیستم که پیروز خواهند شد . مانند حزب اللهی های لبنان که دست به هر جنایتی به نفع خمینی می زنند و ایدیه فکر اسلام و کشور جنگ زده لبنان نیستند و بخاطر خمینی به ترور و گروگانگیری و تهدید کشورهای دیگر دست می زنند .

و اما در مورد مسئله مکه . جمهوری اسلامی به هر تیرنگی می خواهد در خاور میانه ، مخصوصا کشورهای اسلامی ، دخالت کند . یکی از این تیرنگ ها و شیوه ها مسئله حج است . که هر سال مراسم حج را بهانه می کند برای تظاهرات ، برای تبلیغ ، برای مطرح کردن خودش در بین حدود و میلیون جمعیتی که از اقطار اسلامی در مکه جمع می شوند و در آن حالتی که خیلی زمینه احساسات مذهبی گسترده است . و مخصوصا سال ، برنامه ی جمهوری اسلامی خیلی گسترده و آگاهانه پی ریزی شده بود . این تظاهرات را راه می اندازند تا به این وسیله برنده اخل مسجد الحرام ، در مکه و آن بقیه در صفحه ۱۴

آنکارا - ترکیه :

خودسوزی پناهنده ایرانی

اواثل دسامبریک پناهنده ایرانی که از طریق عراق به ترکیه رفته و خود را به UN آنکارا معرفی کرده بود، در اعتراض به عدم رسیدگی سریع به وضعیت خود در جلوی UN به آتش کشید. ولی یکی از ساکنین محل روی او پتو انداخته و او را از خطر مرگ حتمی نجات میدهد. مقامات رسمی ترکیه اعلام میکنند این واقعه صحنه سازی بود شخص مذکور از قبل با خود پتو آورده بوده است. اما شخصی که باعث نجات فرد پناهنده ایرانی از مرگ شده و خود اهل ترکیه است، به این اظهارات مقامات رسمی اعتراض کرد، و اعلام نمود که آماده است که شهادت دهد، پناهنده ایرانی قصد صحنه سازی نداشته و اگر اقدام فوری خودش (فرد تبعه ترکیه) نبود، پناهنده مذکور در شعله های آتش جان خود را از دست می داد.

کاهش شدید تعداد متقاضیان پناهندگی

بن - آلمان فدرال : در سال گذشته ۵۷۳۲۹ متقاضی پناهندگی به آلمان غربی آمده اند. این رقم نشان می دهد که تعداد پناهندگان به نسبت سال ۱۹۸۶ به میزان ۴۰۰۰ نفر کاهش یافته است. "سیمرین" وزیر داخله آلمان در روز (۷ ژانویه) درین اعلام کرد که این کاهش نتیجه اقدام بیروز - مندانه دولت آلمان غربی است که طوفان فرابنده پناهندگان را از طریق آلمان شرقی متوقف کرده است. وی افزود که به این پیروزی اکتفا نکرده و به طرق مختلف فشار پناهندگان را بر روی دولت کاهش خواهیم داد. با بررسی مقررات حقوق خارجیان معلوم خواهد گردید که در چه چهارچوبی، اخراج پناهندگان که تقاضای پناهندگی آنها رد شده است، بصورت شدید تر، به مرحله عمل در خواهد آمد.

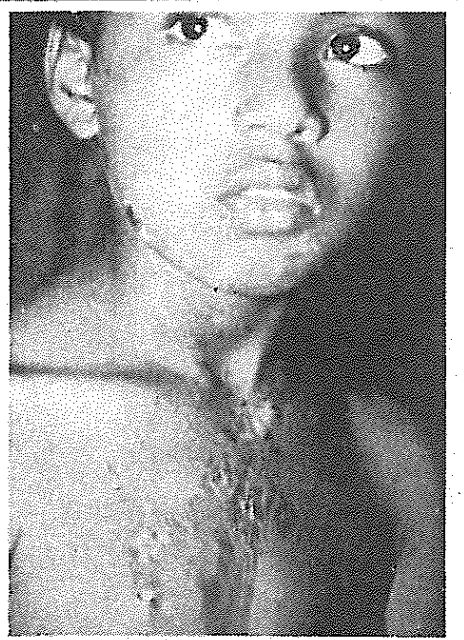
اعتصاب غذا در کوشفلد (آلمان فدرال)

روز پنجشنبه ۱۴ ژانویه پناهندگان ساکن کوشفلد، دولتمن ورا مسدود در اعتراض به اخراج پناهندگان ایرانی و ترک آفرانسه، دست به اعتصاب غذای تریزدند. این اعتصاب غذا که با شرکت ۱۵ پناهنده از ساعت هشت صبح در دفتر حزب سبزها کوشفلد شروع شده بود، در ساعت ۵ بعد از ظهر پس از اطلاع از اعلام دولت فرانسه مبنی بر بازگردانیدن تعدادی از پناهندگان اخراجی، با صدور قطعنامه ای پایان یافت. این اعتصاب مورد حمایت نیروهای مترقی آلمان ساکن شهر کوشفلد قرار گرفت.

تحصن یک خانواده ایرانی در نما پندگی سازمان ملل در کراچی

یک خانواده ایرانی در اعتراض به قطع کارت خود از سوی مقامات UN کراچی صبح روز چهارشنبه ۲۶ نوامبر ۱۹۸۷ در داخل محوطه UN دست به تحصن زدند. پس از مدتی مسئولین UN کراچی با استفاده از زبلیس میخواستند آنها را از محوطه بیرون اندازند که با مقاومت این خانواده هرویسرو شدند. در همین حال پناهندگان حاضر در محل در اعتراض به عملکردهای ضد انسانی مسئولین UN کراچی به حمایت از خانواده هبرخواستند. مسئولین UN که اوضاع را بر علیه خود دیدند در مقابل اتحاد پناهندگان عقب نشینی کردند و مجبور شدند با خانواده مذاکره کنند. لازم به تذکر است که یکی از پناهندگانی که در اعتراض به این وضعیت با یکی از افسران مصاحبه کننده گفتگو میکرد، از او پرسید: بالاخره این روند تا کی پیش می رود؟ افسر مربوطه در جواب گفت: "متأسفیم که به اطلاعات نبرسانیم، اوضاع از این بد تر میشود!"

نقل از "پیام شورا" شماره ۵ ارگان شورای پناهندگان و... کراچی



وین - اطریش :

تلکس اعتراضی به رئیس جمهور ونخست وزیر فرانسه بخاطر اخراج ۱۷ پناهنده

" کمیته برای افسای جنایات رژیم جمهوری " در وین در تاریخ ۸۷/۱۲/۱۶ توسط تلکس اعتراضی به رئیس جمهور فرانسه فرانسوا میتران ونخست وزیر فرانسه ژاک شیراک در اعتراض به عمل ناشایست اخراج ۱۷ پناهنده ایرانی و ترک ارسال کرد. در این تلکس بعد از برشمردن پایمال شدن انواع آزاد بیها و حقوق بشر و جنایات جمهوری اسلامی علیه مردم و ادامه جنگ در ایران و افسای معامله گری رژیم فرانسه با جمهوری اسلامی بر سر تروریست " وحید گرجی " علیه پناهندگان ایرانی به نایب هگرتفته شدن مواد ۳، ۵، ۹، ۱۵، و بسیاری از مواد و میثاقهای بین المللی و حقوق بشر بوسیله این اقدام دولت فرانسه، اعتراض کرده و خواسته های زیر را مطرح کرده است :

- ۱- عمل اخراج چهارده ایرانی و سه ترک پناهنده محکوم گردد.
- ۲- این اخراجیون هر چه سریعتر به فرانسه بازگردانیده شوند.
- ۳- از ادامه چنین اقداماتی جلوگیری بعمل آید.
- ۴- امنیت مهاجرین و پناهندگان در فرانسه تضمین گردد.
- ۵- حقوق انسانی و اولیه پناهندگان و مهاجرین رعایت شود، پذیرش پناهندگی و رسیدگی به وضعیت پناهندگان و مهاجرین ایرانی بطور جدی و برطبق موازین حقوق بشر و میثاق های بین المللی دنبال گردد.

لندن - انگلستان :

اخراج دو پناهنده عراقی

اخیرا دولت انگلستان دو نفر عراقی را که تقاضای پناهندگی از آن کشور کرده بودند، بطور غیرمترقبه وبدون اینکه وکیل آنها را در جریان امر بگذارد، اخراج کرد. و وکیل آنها را معمولاً بین بود که به افراد متقاضی پناهندگی اجازه داده میشد که تقاضایمان در دادگاه بررسی شده و چنانچه دلائل قابل قبول برای پناهندگی نداشته باشند اخراج کردند. ولی در این مورد روند عادی رعایت نشده وبدون مشورت وکیل انگلیسی دو نفر عراقی، آنها را به یوکسلای باز پس فرستادند.

کودکان در تمام دنیا شکنجه میشوند

برن - سوئیس : کودکان در تمام دنیا قربانیان تعقیبهای سیاسی هستند. بنا به گزارش بخش سوئیس کمک به زندانیان سازمان امنستی، "عفو بین الملل"، کودکان در برابر حبس، شکنجه و قتل هیچگونه امنیتی ندارند. شکنجه کودکان برای کسب اطلاعات بکار میرود. با این کار والدین یا آشنایان آنها به حرف زدن وادار می شوند. در بیشترین موارد والدین مجبور می شوند که شکنجه شدن کودکان خود را تماشا کنند. امنستی بعنوان مثال در این مورد از ۱۸ کشور نام می برد. از جمله: آفریقای جنوبی، اوگاندا، شیلی، پرو، کلمبیا، ایران، عراق، آرژانتین، فیلیپین، اسرائیل و آمریکا.

فلسطین

● جنبش خودهای فلسطینیها درنوار غزه و ساحل غربی رود اردن و شهر اورشلیم و با گذاشتن به دو مین ماهه خود از شدت وقوت بیشتری برخوردار شده است. ا. اعتماد و نظایر آن خیا بانی و درگیری با نیروهای سرکوبگر اسرائیلی بصورت امری روزمره و فزاینده در آمده است. حکومت اسرائیل که به کشتار و دستگیری مبارزین می پردازد، ۴۰ نفر از فعالین دستگیر شده را محکوم به اخراج از ساحل غربی نمود. کشورهای همسایه برای جلوگیری از اجرای حکم، حاضر به پذیرش اخراج شدگان نشدند. شورای امنیت سازمان ملل در جلسه ویژه خود با تفاق آراء این عمل اسرائیل را محکوم کرد. آمریکا نیز مجبور به رای دادن علیه اسرائیل شده است. اکثریت جنبش توده ای و عواقب ناشی از آن جناح های مختلف امپریالیستی را به تکیا بر او داشته است تا با اعمال مانورهای مناسب مانع از گسترش خطرناک جنبش شوند. تنها جناح "لیکود" دولت ائتلافی اسرائیل خواهان مقابله کامل و همه جانبه مردم غزه و ساحل غربی است. "ابابا" وزیر خارجه سابق و رئیس کمیسیون روابط خارجی مجلس اسرائیل (عضو حزب کارگر) از لزوم مذاکره و سازش با سازمان آزادیبخش فلسطین صحبت می کند و شگاف در جناح "لیکود" نیز آغاز میشود. یکی از رهبران این جناح در مجلس اسرائیل مخالفت با شیوه کنونی ادا روزه و ساحل غربی



وجود نداشته اند!

علیرغم سرکوب جنبش توده ای فلسطینیها، که بنا به گزارش هیئت ویژه سازمان ملل حدود سرزنی شناسد، مقاومت گسترش یافته و هر روز با عسارت تازه ای می یابد.

را عنوان نمود. ا. اختلاف دول امپریالیست بین اسرائیل بر سر این مسئله با لگرفته است. "دیوید میلور" وزیر دولت انگلیس دربار ز دیدار اردوگاه های غزه، وضعیت آنها و رفتار اسرائیل را "لکه ننگی بر چهره تمدن" نامید. گوئی قبلا چنین اردوگاه ها می

ترکیه

● بعد از انتخابات ترکیه، جنبش دمکراتیک و کارگری نه تنها فروکش نکرده که روند گسترش یابنده دارد. در عدا مبر بدعت کانون حقوق بشر ترکیه و تشکل خانواده های زندانیان سیاسی دو میتینگ گسترده در شهر استانبول برگزار شد. تظا هر کنندگان با شعارهای "از شکنجه گران جاسرسی می کنیم"، "زندانیان با یدخال شوند" و "مرگ بر فاشیسم" و آتش زدن ماکت یک زندان، علیه دولت به اعتراض برخاستند. در "اینجریلیک" یدنبال اخراج ۵۰ تن از کارگران ترک شاغل در پاریکاه نظامی آمریکا در آن محل، تظا هرات ضد آمریکا بی وسیعی انجام گرفت. تظا هر کنندگان با شعارهای "ترکیه تگزاس نیست" و "آمریکائی به خانات برگردد" خشم فدا امپریالیستی خود را ابراز داشتند. کارکنان "میکرو" و فروشگاههای بزرگ زنجیره ای ترکیه، به اعتماد خود بعد از ۱۲ روز ادامه میدهند. این اعتماد توسط سندیکیهای "تزد کوپ ایش" هدایت و سازماندهی میشود. کارکنان اعتماد بی خواهان افزایش حقوق و بهبود شرایط کار میباشند که بنا به اظهار رهبران سندیکا چیزی معادل ۱ میلیار دلیره میشود که در برابر سر فروش ماهیانه ۱۲ میلیار دلیره ای این فروشگاه

رقمنا چیزی را تشکیل میدهد. اعتماد بیون در این مدت حمایت و پشتیبانی مردم و نیروهای مترقی را جلب کرده اند.

همچنین بعد از انتخابات ترکیه که در آن "حزب ما موطن" با ۳۶ درصد رای بعلت قوانین خاص انتخاباتی صاحب اکثریت مطلق در مجلس شده است، ناراضی نسبت به این حزب و جتازه ای میگردد. با شدت یافتن بحران اقتصادی دولت اوزال بلافاصله بعد از انتخابات با تسری افزایش در آمد مالیاتی، نرخ تمامی کارهای اساسی را افزایش داد. در آن ۳۰ درصد، سیگار ۱۲ درصد، قند و شکر ۳ درصد تلفن ۵ درصد و کرایه اتوبوس ۳۳ درصد و تا کسی حدود ۸ درصد. این امر فشار رجانکا هی رابر زندگی و معیشت زحمتکشان و کارگران ترکیه وارد کرده است. و تنها از این میان سرمایه بزرگ که "حزب ما موطن" نما ینده آن است سود میبرد. رقبا ی دولت تبلیغات وسیعی بر سر این موضوع انجام میدهند. از میان رقبا ی دولت که در انتخابات شرکت داشتند حزب سوسیال دمکرات با ۳۶ درصد آرای قوی ترین آنهاست که در چهار شهر بزرگ آنکارا، استانبول از میرو آدان اکثریت را بدست آورد. در ایستادن انتخابات حزب مذهبیون طرفدار فقها (به رهبری اربکان) حدود ۷ درصد آرای آورد و به همین دلیل به پارلمان راه نیافت.

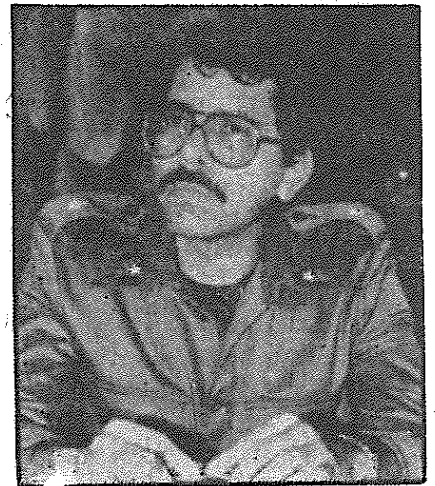
آرژانتین: شورش نظامیان

● نظامیان یک پادگان در شمال آرژانتین به طرفداری از کلنل "ریکو" که در آوریل ۸۷ برای جلوگیری از محاکمه نظامیان دوره حکومت نظامی شورش کرده و دربار زداشت بود، شورش کردند. خود این کلنل نیز از زداشتگاه گریخته و به طرفدارانش پیوسته است. رئیس جمهور "آلفونسین" اینبار ردیگر از طرفدارانش تقاضای حرکت و اعتراض ننموده و از ارتش که به ادعای رهبرانش "وفا دار" است خواست تا با شورشیان مقابله کند. روز ۱۸ ژانویه سرهنگ ریکوویا پادگان شورش تسلیم نیروهای وفادار دولت شدند. شورش نظامیان یکبار دیگر روزنه ارتسش در ساخت دولتی حکومتی آمریکا لاتین بعنوان اهرم اصلی سرکوب و فشار بر دمکراسی را آشکار نمود.

قیمت "دموکراسی"

● بر طبق اطلاعاتی که پس از انتخابات اخیر در کره منتشر شده است، حزب کامونرالیها برای خرید آراء در مناطق روستائی مبلغ ۲/۸ بیلین دلار خرج کرده و بر طبق همین اطلاعات بنهای سرزای خریداری شده معادل ۲۷۰ دلاری بوده است. اما محاسبه تعداد آراء را به خوانندگان واگذار می کنیم!

نیکا را گوا



● دانیل اورنگا رئیس جمهور نیکا را گوئه بعد از ملاقات سران کشورهای امریکا مرکزی در ۱۶ ژانویه، اعلام کرد خرافات با شورشیان کنتررا مستقیماً مذاکره کند و همچنین حالت اضطراری را در کشور لغو نماید. پیشنها مذکور مستقیم بلافاصله از جانب کنتررا مورد قبول قرار گرفت. هیئت بین المللی نظارت بر ملحق امریکای مرکزی اعلام کرد که ملحق در نیکا را گوئه تنها زمانی امکان پذیر است که امریکا کمک های بیشتر را به کنتررا قطع نماید. در روز ۱۹ ژانویه دولت نیکا را گوئه قانون وضع اضطراری در کشور را لغو کرد.

ادامه از صفحه ۱۱

مصاحبه ...

پیام خمینی را به جهان اعلام کنند، یعنی انقلاب اسلامی و حکومت اسلامی را. و با اینکه گویا چهل هزار یار دارد اما عمل خودش را فرستاد و او اینطور برنا هریری شد که بیرمود آن زنان را جلو بگذارد که کسی نتواند به آنها حمله کند و اگر حمله ای بشود و آنها گشته شوند از این یک پیراهن عثمان درست کنند، باز هم نتوانست موفق شود. هیچ شکستی نیست که عربستان سعودی، یکی از کشورهای ستمگرو ارتجاعی منطقه است ولی این بسته به ملت عربستان است که با حکومت عربستان به چه صورتی مبارزه کند. نه اینکه خمینی که با رها از حکومت عربستان بد تراست و نه تنها برای ملت ایران، که اساساً برای تمام منطقه فاجعه و آشوب به پا کرد و به بهانه صد و انقلاب و نجات ملل اسلامی از دست حکومتهایشان، به هر جنایتی دست می زند. لذا شکست توطئه های خمینی در مکه مکره، به نفع مردم خاورمیانه و نیروهای انقلابی، تمام شد. و روابط ایران با آمریکا و اسرائیل، مزورانه بودن دفاع خمینی از اسلام و ملت های منطقه را افشا کرد.

سؤال: ما موستا! به عنوان آخرین سؤال، ما بیلیم توضیح دهید که متحدین بین المللی خلیف کرد را چه نیروهایی می دانید؟
ما موستا: در عرصه بین المللی، دفاع از منافع ملت های تحت ستم کمتر د نظر گرفته می شود. همیشه به فکر این هستند که کدام مسئله، منافعشان را تأمین می کند و از رویه مصالح خویش به مبارزات ملت های می نگرند و از آن پشتیبانی می کنند یا آن را

یونیسیف

● یونیسیف که سا زمان مخصوص به تأمین سلامت و تغذیه و آموزش کودکان و وابسته به سازمان ملل متحد است گزارش خود را منتشر نمود. در این گزارش آمده است که عامل مرگ و میر کودکان در کشورهای رشد نیافته که کان اسپال، عفونتهای ساده و بیماریهای واگیردار است که تمام آنها قابل پیشگیری و درمان هستند. گزارش تأکید میکند که امکان نجات ۲/۸ میلیون کودک کانی که از اسپال و سه میلیون کودک کانی که از سرخک و کزاز و سیاه سرفه و ۲ میلیونی که از عفونتهای تنفسی در سال گذشته تلف شدند وجود داشت اما بعلت بکار نرفتن ساده ترین امکانات، آموزش باقین اقدامی در این مورد صورت نگرفت. گزارش یونیسیف به مشکل مالی این سازمان که نمیتواند برنامه های خود را در مورد کودکان مالک فقیر، که به همین دلیل تلف میشوند، با جراد آورد اشاره کرد و بر عهده توجه و مسئولیت کشورهای ثروتمند که باید بودجه این سازمان را بر اساس نسبت ثروت ملی کشورهای تأمین کنند، تأکید می کند. از جمله به آمریکا اشاره کرد و اظهار امید آرد که این کشور فقط ۱۶ درصد از سهمیه مربوط به دولت های پدید آرد که بسیار کمتر از نسبت ثروت ملی آنست.

آلمان فدرال

● بدنبال فاش شدن رسوایی مربوط به انبار کردن غیرقانونی زیباله، اتمی توسط یک شرکت آلمانی در این کشور، اکنون روشن شده که شرکت فوق اقدام به فروش غیرقانونی سوخت اتمی به پاکستان، لیبی و سودان نیز کرده است.

دلار "فلیج"

● این لقبی است که دربار زار پولی فرانکفورت به دلار داده اند. بعد از سقوط فزاینده ارزش دلار که آنرا به پائین ترین حد خود بعد از جنگ جهانی رساند، تمهیدات وسیعی از جانب بانکهای مرکزی کشورهای پیشرفته صنعتی، گروه هفت گانه امپریالیستی اشخا ذکر دید. بانک مرکزی ژاپن در هفته اول ژانویه یک میلیارد دلار را از پول خرید کرد و بدینسان بانک آلمان و سوئیس نیز ارقام بالایی خرید کردند تا نرخ برابری دلار را افزایش دهند. این اقدامات با فاجعه گزارش تجارت امریکا در ماه نوامبر که میزان کسری را کمتر از حد پیش بینی نشان میداد (کسری حدود ۱۳۵ میلیارد دلار بود) باعث افزایش مختصر نرخ دلار گردید. اما بنا به نظر همه کارشناسان این وضع حداکثر تا پایان فوریه ادامه داده شده و بعد از آن مجدداً دلار را زار پول سقوط خود را از سر خواهند گرفت.

هائیتی

● روز ۱۷ ژانویه انتخابات عمومی که در ماه نوامبر به تعویق افتاده بود، برگزار گردید. این انتخابات که توسط نیروهای مخالف نظام میسان حاکم تحریم شده بود با کمترین استقبال ممکن از جانب رای دهندگان و تحریم همراه بود. روز قبیل از انتخابات و بعد عودت مخالفین، اعتماد عمومی صورت گرفت که کشور را بحالت فلج کامل درآورد.

ملی و مذهبی آنها می برد آزد، گوش دنیا را با تمام وسایل ارتباط جمعی اش از این حرف ها پر کرده. ولی خودش یک ملت ۱۲ میلیونی کرد را که در سرزمین آبا و اجدادی خویش هستند سرکوب و قتل عام می کند، آنها را از حق تکلم به زبان مادری و انجام شعائر ملی محروم کرده و اساساً وجود ملتی بنام کرد را انکار می کند. و در مورد اقدامات بعضی از نیروهای سیاسی ای که بخاطر حقوق ملی خویش مبارزه می کنند و گاه مرتکب قتل خانواده های هائی که بیشتر مرز و راند ولت هستند، می شوند (شکی نیست که اینگونه اعمال مورد تأیید قرار نمی گیرد) شکوایت بلند شده و بیاتمام توان آن رایک جنایت وحشیانه و قسوت قلمداد می کند و از آن به عنوان یک دستاویز تبلیغی علیه ایمن نیروها استفاده می کند. قضاوت در باره ایمن مسئله را باید به پیشگاه ملت ارضی محول نمود که به وجه فجیعی قتل عام شده، و تا ابد ایمن جنایت لکهای ننگی است برد امان رژیم ترکیه. آیا این همان سنتی نیست که دولت ترکیه خود بنیان گذاران آن بود هاست؟ بدیهی است که تاوان آن به عهد های شورون نیست های ترکیه است. آیا خون همه ملت ها رنگین نیست؟ و آیا همه ملت ها حق ندارند از دست و سرزمین خویش سرنوشت خویش را در دست بگیرند و در میهن شان آزادانه زندگی کنند؟ و آیا نباید زحمتکشان و ستم دیدگان از دست سرنوشت خود بهره مند شوند؟

پایان

به هیئت تحریریه نشریه
"پیام کارگر"

ما و خوانندگان

۱۱۱

بدون تفسیر

* کیهان ۲۱/۹/۶۶ ص ۲: دادستان کل کشور، موسوی خوئینی ها: "خواست های حقوق بشر غیر منطقی است."
* کیهان ۲۸/۹/۶۶ ص ۱۸: آیت الله مهدی گیلانی در سخنرانی قبل از خطبه های نماز جمعه تهران:
"... مائوری سران مرد می می زنیم که بخواهند باقانون، دولت و شرع مخالفت کنند..."
* کیهان هوایی ۱۸/۹/۶۶ ص ۱۷: در پاسخ به سازمان عفو بین الملل:
"... جمهوری اسلامی ایران هیچکس صرفا بخاطر اعتقادی که دارد، بازداشت و زندانی نمی شود..."
* رسالت ۲۲/۹/۶۶ ص ۱۱: آیت الله آذری قمی:
"... راهد یگراثبات توسعه اختیارات امام مسلمین و ولی فقیه وجوا تصرف در نفوس و اموال خصوصی و عمومی مردم برای او مسئله حاکمیت الهی است که بها واعطاشده است. حاکمیت خدا و رسول و امام یعنی قاطعیت و ولایت اراده آنها برجان و مال مردم و نفوذ اراده آنها در جان و مال مسلمین بلکه همه جهانیان است... (سوره احزاب آیه ۶) انفس موتین ویا طبع اموال آنان در اختیار بیخبر است... اگر بگوید لازم است با این دختر ازدواج کرد یا این زن را طلاق بدهد، این ازدواج و طلاق لازم و واجب است."

باید ار" بشابه مضمون ازدواج میتواند بدون عقد رسمی مجازش مرد ه شود - هرچند که این امر نمی تواند اکنون بلحاظ سطح تکامل اجتماعی - تاریخی و ارزشهای فرهنگی جامعه ما پذیرش عام داشته باشد - بلکه بحث برسر آن است که اکنون عدو ای از زنان و مردان اقامت گزیده در غرب قصد آن دارند که "بی تعهد با تهودن" را جایگزین ازدواج سنتی! قرار دهند و آن را بعنوان "مسائل فکری مربوط به جنبش زنان" و "ابعاد گوناگون زندگی و مشکلات زنان ایران" جایزنند.
اگر "پیام کارگر" صرفا به رج گزارش اکتفا مینمود، شاید میشد آن را به حساب بی دقتی و عدم توجه جدی آنها نسبت به مسؤلیتی که در مقابل نحوه برخورد با گزارشات خبری باید داشته باشند، گذاشت. اما زمانیکه "پیام کارگر" بر این گزارش توضیح جانبدارانه می نویسد و از نیرگزار کنندگان سمینار تقاضا می کند که "دستاوردهایشان" را در اختیار نشریه قرار دهند و پای "وضعیت وحشتناک زنان زحمتکش" را بمیان می کشد آنگاه دیگر به جز لغزش لیبرالی در اندیشه و عمل هیئت تحریریه، نام دیگری بر آن نمیتوان گذاشت. و چنین سمینارهایی ویرخورد جانبدارانه از آن سبب خواهد شد که مسائل واقعی جنبش زنان در ایران و بویژه "وضعیت وحشتناک زنان زحمتکش ایران" در رسایه مباحث انحرافی قرار گیرند.
۲۶ آذر ۶۶

دشماره ۹ نشریه "پیام کارگر" گزارش سمینار شکل مستقل دکراتیک زنان اروپا و در ادامه آن توضیح پیام کارگر درج شده است. بعنوان یک خواننده نشریه شما، بدین وسیله ابراز تأسف خود را از لغزش لیبرالی آن نشریه اعلام مینماید.
برخلاف آنچه که در توضیح پیام کارگر آمده است که: "بی شک سمینارهایی از این دست که برای شناساندن موقعیت زنان کشور ما و روشن کردن مسائل فکری مربوط به جنبش زنان انجام می گیرد اقدامات با ارزشی هستند که باید پیگیرانه دنبال شوند" و اینکه "هنوز ابعاد گوناگون زندگی و مشکلات زنان ایران، بویژه وضعیت وحشتناک زنان زحمتکش ایران ناشناخته مانده است" مضمون و محتوی مباحث سمینار حاکی از آن است که این بحث ها در شرایط کنونی نه تنها هیچگونه ربط واقعی با شناساندن موقعیت زنان کشور ما و بویژه "وضعیت وحشتناک زنان زحمتکش ایران" ندارد، بلکه تجسم آشکار تمایلات لیبرالیسم آن عده از زنان "روشنفکر" ایرانی در غرب است که شیوهر را از دهانه گشاد آن مینوازند.
بی علت نیست که برای این سمینار مسائلی همچون بقول شما "Sexualität" و "Zusammenleben" اجتماعی شدن و وظایف خانواده در چشم اندازهای آینده و اولین رفتن مضمون وجودی آن در محور اصلی مباحث آن قرار میگیرد. و طبیعی است که "اکثریت قریب به اتفاق شرکت کنندگان در سمینار مخالفت خود را با شکل ازدواج سنتی در ایران اعلام نمایند. ▲
بحث برسر آن نیست که "تعهد وفاداری

توضیح هیئت تحریریه

ما برخلاف برداشت خواننده عزیز رفیق - ن - از گزارش سمینار زنان در هانوفر، معتقد نیستیم که این سمینار به مسائل بیگانه با مشکلات زنان ایران پرداخته و "تجسم آشکار تمایلات لیبرالیسم عده ای از زنان روشنفکر" ایرانی در غرب است. بررسی موضوعاتی چون رابطه جنسی در دیدگاه مذہب، مسئله ازدواج، طلاق و نظام خانواده در ایران، و همینطور تحولات آینده خانواده و اجتماعی شدن وظایف آنها همه از جمله مسائل مهم زنان و جنبش آنها است. این اشتباه است اگر بی عدالتی و تبعیض حقوقی و اجتماعی زنان را منحصر به حوزه تولید بد انیم، علاوه بر این، باید در نظر داشته باشیم که همواره برای اقشاری از زنان بخصوص زنان پیشرو مسائل فکری در رابطه با جنبش زنان و مسائل تئوریک مربوط به آن مطرح می باشد که ممکن است مستقیما با معضلات زنان زحمتکش رابطه ای نداشته باشد، ولی آگاهی از آنها در داشتن پاسخ علمی برای آن ضرورت هدایت آگاهانه جنبش است.

همه ما به یاد داریم که در نتیجه ازدواج مسعود رجوی با همسر مندی ابریشمی، چه بحث هایی در رابطه با این حرکت در آمدند و چه انزجاری بخصوص در میان زنان روشنفکر و پیشرو نسبت به دیدگاه سنتی و مذہب نسبت به زن برانگیخته شده. از این قبیل مسائل در جامعه کنونی ایران که یک دولت مذہبی در آن حکومت می کند، د اعدادر میان زنان و بخصوص زنان پیشرو محرکی برای بررسی

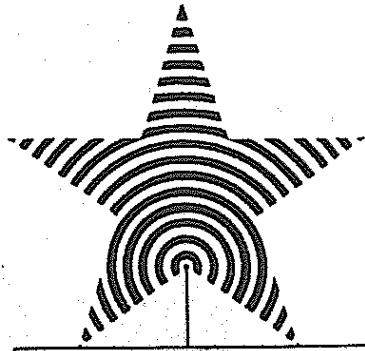


و تحقیق روی علل و عوامل آن ایجاد می کند.

ممکن است به نظر متقاض آید ولی همانطور که رژیم اسلامی مساعدترین زمینه و محرک را برای بحث در رسایه آزادی ها، مفهوم آزادی بی قید و شرط سیاسی ایجاد نمود. در مورد مسائل زن نیز، همین رژیم باعث برانگیخته شدن بحث های بسیاری در عرصه های مختلف اجتماعی و فرهنگی شده است.

با وجود این ما توجه زنان پیشرو و روشنفکروا نسبت به مسائل زنان زحمتکش معطوف کرده ایم. اما واقعیت اینست که مسائل تنها به اینجا ختم نمی شود و باید سطوح مختلف مسائل زنان را شناخت و به همه آنها توجه نمود. و این ابداع ایک

گرایش یا لغزش لیبرالی نیست، در رابطه با مخالفت با شکل ازدواج سنتی و اجتماعی شدن وظایف خانواده در آینده هم هیچ نکته منفی وجود ندارد. و این از اووهای اساسی و قدیمی مارکسیست - لنینیست ها از زمان نیفت تا امروز است. اما اگر این نفی چنانکه شما برداشت کرده اید به معنای دفاع از شکل جدیدی از ازدواج مثلا Zusammenleben می بود، طبیعا مانیز با شما هم عقیده بودیم ولی یک چنین برداشتی حد اقل از این گزارش به ذهن متبادر نمی شود. و چه بسا در این سمینار نیز این ایده ها خواهانی داشته است.



صدای کارگر

راه پوی سازمان کارگران انقلابی ایران (راه کارگر)

صدای کارگر

راه پوی

سازمان کارگران انقلابی ایران (راه کارگر)

★ صدای کارگر هر شب از ساعت ۹ روی موج کوتاه ردیف ۷۵ متر برابری با ۴ مگا هرتز پخش می گردد.

★ برنامه مذهب، ساعت ۶ و ۳۰ دقیقه صبح روز بعد تکرار می گردد.

★ جمعه ها برنامه ویژه پخش می شود.

★ ساعت و طول موج صدای کارگر را به خاطر بسپارید؛ ساعت پخش و طول موج صدای کارگر را به هر وسیله ممکن به اطلاع کارگران و زحماتشان برسانید و آنان را به شنیدن صدای کارگر دعوت نمایید!

آدرس پیام کارگر

POSTFACH
650226
1-BERLIN 65

ALIZADI
B.P. 195
75564 PARIS
-CEDEX 12
FRANCE

گزارش برگزاری ۱۱ دی روز بزرگداشت شهدای سازمان

در این مراسم همچنین پیام همبستگی کمیته مرکزی سازمان رهایی بخش ترکیه و کردستان شمالی نیز که تسلیم رفقای برگزارکننده شده بود قرائت گردید:

" رفقا!

بنام سازمان رهایی بخش ترکیه و کردستان شمالی به شما درود می فرستیم. ما کمونیست های ترکیه و کردستان شمالی، برای اعلام همبستگی با کمونیست های ایران و سازمان شما در این مراسم شرکت کرده ایم. زیرا ما کمونیست هانیک میدانیم که جنبش کمونیستی جهانی و بین المللی است.

مبارزه کمونیست های انقلابی ایران، پیوند تنگاتنگی با مبارزه کمونیست های ترکیه در راه استقلال، سوسیالیسم و دموکراسی دارد. شهدای کمونیست در چهار گوشه جهان شاهد ای کمونیست های ترکیه نیز هستند.

در مبارزه تان در راه آزادی و سوسیالیسم برای شما از صمیم قلب پیروزی آرزوی کنیم.

زند هباد انترناسیونالیسم پرولتری!
زند هباد مبارزه خلق های ایران در راه استقلال، آزادی و سوسیالیسم!
زند هباد طبقه کارگر ایران!"

در انتهای مراسم نیز طبق سنت همیشه کمونیست ها، سرود انترناسیونال به طور دسته جمعی اجرا گردید.

بناسبت ۱۱ دی، روز بزرگداشت شهدای سازمان، مراسمی از سوی اعضا و هواداران کلن و بن سازمان ما، در تاریخ ۸ ژانویه در کلن برگزار گردید.

در این مراسم، ابتدا امتنی به مناسبت همین روز بوسیله یکی از رفقای ما قرائت شد، که قسمتی از آن چنین بود:

"... یاد همگی آنها گرامی باد! یاد آنها گرامی باد که به پاس زیبایی و زندگی و آزادگی، در حالیکه زیر بار زخمه میگردند که نمیخواهیم، نمیخواهیم، نمیخواهیم که میبریم، شاد دلانه و سبکبار بانگاهی که همه ترم و سرود بود، افق سرخ فرد اراد رجال، با خون پاک خود رقم زدند..."

درود بر آنان که رضاندادند، آلا به آفتاب، قلبهای عاشقی که رضاندادند، آلا به عشق دل داد...

سپس به احترام این شهید ایک دقیقه سکوت اعلام شد.

قسمتهای بعدی برنامه، شامل تک خوانی، سرود، پانتومیم، فیلم و سخنرانی رفیق حسام حسام بود.

رفیق حسام در سخنرانی خود ضمن مرزبندی با فرقه گرابی و گروه پرستی، به این مطلب اشاره نمود که ما نه فقط برای بزرگداشت شهید ای سازمانمان، بلکه به احترام تمامی آنان که برای آزادی و سوسیالیسم جان فد نمودند، گرد آمده ایم...

سوگند است که علم: برگزاری مراسم ۱۱ دی، روز تجدید پییمان با شهدای سازمان

فروتن شوکران "با صدای گرم ما ملو پخش میشد. مراسم مقدمه ای کوتاه و خیر مقدم حاضرین و یک دقیقه سکوت به پاس احترام به خاطر همه فرزندان شهید خلق آغاز شد. سپس پیام کمیته مرکزی بمناسبت این روز قرائت گردید. پس از آن دوتن از رفقا، خاطراتی را در رابطه با رفقای شهید برای حاضران بازگو کردند. ادامه مراسم قرائت شعر "مقتول لعنت آ باد" از رفیق حسام بود و در آخر مراسم با خواندن سرود انترناسیونال خاتمه یافت.

برای بزرگداشت خاطره شهدای سازمان و بغا ط تجدید پییمان با رفقای شهید، در محل میز کتاب از طرف واحد است که مراسم برگزار گردید. این مراسم با دعوت از برخی از نمایندگان گروه های سیاسی و برخی از دوستداران "راه کارگر" برگزار شد.

بر روی دیوار اتاق محل مراسم علاوه بر آرام سازمان و طرحهایی در رابطه با زندانیان سیاسی و شهدا، زندگی نامه و عکسهای برخی از رفقای شهیدمان (همه رفقای که زندگی نامه آنان در آرگان سراسری درج شده) نصب شده بود و اشعار "کاشفان

برای تماس با سازمان از خارج کشور،
با شماره تلفن ۲۱۶۹۶۱۳ - ۳۰ - ۴۹
در برلین غربی تماس بگیرید. بدلیل کنترل مکالمات تلفنی با خارج از کشور توسط رژیم اسلامی، مطلقاً تحت هیچ شرایطی از داخل کشور با این شماره تلفن تماس گرفته نشود.



با پیام کارگر همکاری کنید
و برای آن بنویسید!